

مرمت خانه های آسیب دیده در ایستگاه پایانی

شهرداری اصفهان به زودی
پایان مرمت های جزئی منازل آسیب دیده
در جنگ رمضان را اعلام می کند

واحدهایی که دچار خسارت جزئی شده اند، حدود ۹۰ درصد از مجموع منازل آسیب دیده را تشکیل می دهند و به زودی جشن پایان مرمت های جزئی برگزار خواهد شد؛ برای واحدهای دارای خسارت اساسی نیز تأمین مسکن رهنی انجام شده است

دکتر علی قاسم زاده، شهردار اصفهان



مدیریت شهری ۰۳

روایت ناتمام همسر و مادر دو شهید!

سیده الهام صادقی، بازمانده جنگ رمضان
۷۰ روز با داغ همسر و فرزندانش زندگی کرد
اما رفت تا به قولی که داده بود، عمل کند

خبر، کوتاه بود؛ آن قدر کوتاه که در چند خط جا می شد. سیده الهام صادقی، زن ۳۲ ساله ای که در بیمارستان ششم فروردین محله هفتون، همسر و دو فرزند خردسالش را از دست داده بود، از دنیا رفت؛ اما پشت این چند خط، روایتی خوابیده که به دشواری می توان آن را در چند جمله خلاصه کرد؛ روایت همسر و مادر دو شهید که در یک شب بهاری، همه زندگی اش زیر آوار ماند و خودش، ۷۰ روز بعد، در حالی چشم از جهان بست که هنوز باران داغ سنگین را بر دوش می کشید. این روزها شبکه های اجتماعی پر شده از تصویر او؛ زنی با چهره ای آرام و نگاهی که انگار ردی از اندوهی عمیق را در خود پنهان کرده است. تصویری از لحظه وداع او با همسر و دو فرزند خردسالش یکی از این تصاویر است. الهام صادقی کنار پیکر شاهین و شاهان ایستاده و در میان اشک و اندوه، جمله هایی را بر زبان می آورد که حالا پس از انتشار خبر درگذشتش، معنایی سنگین تر پیدا کرده اند....



زینب
تاج الدین

بایداری ۰۷

شعر آیینی در آیین سوگ و حماسه

بالیدن همیشگی
شعر آیینی
در دام
ادبیات فارسی

محمود برای خوانساری، استاد تمام
رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان



مرثیه سرایی صرف
محملی برای
وادادگی است

بهجت فروغی مقدم، دکترای زبان و ادبیات فارسی
دانشگاه اصفهان



کتاب و ادبیات ۰۶

گفت و گو در «حوالی ۵۷»

در گفت و گوی بین نسلی با عنوان «حیات بهشتی»
مجموعه ۱۵ جلدی «حوالی ۵۷» نقد و بررسی شد

مقاومت ۰۵



عکس ها از کوثر رحیمی





می خواهیم کالابریگ دهک های پایین را افزایش دهیم



وزیر اقتصاد گفت: افزایش رقم کالابریگ دهک های پایین حتما در دستور کار است و به منابع دولت بستگی دارد.

به گزارش ایسنا، سید

علی مدنی زاده در حاشیه صد و سی ششمین نشست شورای گفت وگویی دولت و بخش خصوصی درباره برنامه دولت برای افزایش رقم کالابریگ اظهار کرد: قصد داریم تا کالابریگ دهک های پایین را افزایش دهیم و این مسئله حتماً در دستور کار است. این مسئله به منابع دولت وابسته است که امیدواریم این اتفاق بیفتد. وی درباره تضمین های لازم مبنی بر اینکه بسته تسهیل تولید و تجارت در سرنوشت برخی بسته های اجرا نشده دچار نشود گفت: وقتی صحبت از تسهیل می شود لزوماً به معنای حمایت مالی نیست؛ بلکه این حمایت ها به معنای رفع موانع تولید است. برای مثال خروجی ترخیص کالاهای اساسی در دوران جنگ دورابزر شد.

وزیر امور اقتصادی و دارایی تأکید کرد: الحمدالله در دوره جنگ وفور کالاهای اساسی را داشتیم و تسهیلهایایی در حوزه تجارت و مالیات اتفاق افتاد. نزدیک به ۲۰ هزار میلیارد تومان فقط تسهیلهای مالیاتی در سه هفته انتهای سال داشتیم. همین الان هم این برنامه در جریان است. طبیعتاً ما نمی توانیم مالیات همه فعالان اقتصادی را ببخشیم. در آن صورت عملاً دیگر دولت هیچ منابعی برای پرداخت حقوق کارگران، انجام پروژه های عمرانی و بیمه سلامت بازنشتگان، تأمین مالی، یارانه ها و کالابریگ نخواهد داشت. اینها منابعی است که در جاهای مختلف جمع می شود تا بتواند پرداخت شود.

مدنی زاده با اشاره به مصوبات جلسه امروز شورای گفت وگویی دولت و بخش خصوصی اظهار کرد: کسانی کالاهای اساسی با نرخ ارز ترجیحی وارد کردند و قرار بود دولت به آنها ارز ترجیحی بدهد، این افراد یک طلبی از دولت دارند که مدتی زمان برده است. ما در وزارت اقتصاد وظیفه خود را انجام دادیم. با تک تک افرادی که از دولت ادعای طلب داشتند نشست هایی را برگزار کردیم و مشخص شد مجموعه بدهی دولت چه میزان است. در حال حاضر پرداخت مطالبات در فرایند تصویب دولت است و ان شاء الله راهکاری برای پرداخت اتخاذ شود.

وی ادامه داد: مورد بعدی فرایندهای تسهیل تجارت و تولید بود که ما در مجموعه وزارت اقتصاد با مجموعه اتاق بازرگانی کار مشترکی را انجام دادیم. مجموعه ای از مصوباتی که به لحاظ محتوایی بتواند در تجارت و توزیع کالاگره گشایی کند. در کشور آسیب شناسی انجام داده بودند در خصوص اینکه چرا بعضی مصوبات در عمل اجرا نشده که راهکارهایی را پیشنهاد دادند.

آیا «مثلث طلایی» پاسخگوی گردشگری ایران است؟

ضرورت بازنگری در شیوه معرفی ظرفیت های متنوع گردشگری کشور



آیه مزروعی

خبرنگار

درحالی که «مثلث طلایی» به عنوان یکی از الگوهای معرفی گردشگری ایران مطرح می شود، دیدگاه های تازه ای بر ضرورت عبور از این چارچوب و حرکت به سوی نگاهی جامع، تخصصی و متناسب با تنوع فرهنگی و تاریخی استان های مختلف کشور تأکید دارند. ایران کشوری با تاریخ، فرهنگ و جاذبه های طبیعی و هنری بی نظیر است که هر استان آن می تواند به عنوان یک مقصد گردشگری مستقل معرفی شود. تنوع معماری، میراث فرهنگی، آثار باستانی، طبیعت بکر و فرهنگ اقوام مختلف، ایران را به یک دانشنامه زنده گردشگری تبدیل کرده است. با این حال، در سال های اخیر، تبلیغات گردشگری غالباً بر «مثلث طلایی» اصفهان، فارس و یزد متمرکز شده اند؛ رویکردی که به باور کارشناسان، محدودکننده است و باعث نادیده گرفتن ظرفیت های عظیم دیگر استان ها می شود. ■

شد تا این استان بتواند در حوزه گردشگری هم پای استان های فارس و اصفهان حرکت کند. اما من بار دیگر تأکید می کنم که این رویکرد را نمی پسندم، چرا که ایران فراتر از این دسته بندی های محدود، جاذبه های بی شماری دارد.

■ **ضرورت نگاه تخصصی به گردشگری**
این کارشناس گردشگری تصریح کرد: تفاهم نامه ها و همکاری های بین شهری تا زمانی که بر مبنای نگاه حرفه ای نباشند، تأثیر چندانی نخواهند داشت و بیشتر جنبه تشریفاتی پیدا می کنند. ما باید برای هر استان، هویت گردشگری مشخصی تعریف کنیم؛ مثلاً اصفهان به عنوان شهری فراتر از مرزها، تهران با نقش فرامرزی، خراسان به عنوان یک قاره فرهنگی، سمنان با معماری آجری و گویش ها و لهجه های کهن شناخته شود.

■ **مخالفت با محدودسازی گردشگری ایران در قالب «مثلث طلایی»**
منصور قاسمی، کارشناس گردشگری، با مفهوم «مثلث طلایی گردشگری ایران» موافق نیست، زیرا معتقد است ایران ظرفیت های بسیار گسترده تری برای معرفی دارد.

قاسمی در گفت و گو با اصفهان زیبا اظهار کرد: اگر یک مثلث طلایی تعریف و تبلیغ کنیم، عملاً راه را به بیراهه برده ایم. جاذبه های گردشگری، فرهنگی و تاریخی ایران محدود به استان های اصفهان، فارس و یزد نمی شود. چه saja استان های دیگری وجود داشته باشند که از برخی جهات، حتی از یزد هم غنی تر و برخوردارتر باشند.

■ **فراتر از مثلث؛ ظرفیت پنج ضلعی یا چندضلعی گردشگری**
او خاطرنشان کرد: به نظر من، اگر قرار به چنین دسته بندی هایی باشد، شاید مفاهیمی مانند پنج ضلعی یا هشت ضلعی طلایی منطقی تر باشند. اما تأکید بر «مثلث طلایی» به این معناست که تاریخ، فرهنگ، هنر و آثار تاریخی ایران را به چند استان خاص محدود کنیم. حتی اینکه بخواهیم یزد را در کنار اصفهان و فارس و در قالب یک مجموعه واحد ببینیم، تا حد زیادی ظلم به تاریخ و فرهنگ گسترده ایران است.

■ **ریشه یابی شکل گیری ایده مثلث طلایی**
قاسمی افزود: مشخص است که ایده مثلث طلایی از سوی برخی فعالان یزدی مطرح

بخش های دولتی و خصوصی را درگیر این صنعت کرد و از آن حمایت گرفت. گردشگری صنعتی پاک، بدون آلاینده گی و سرشار از تبادیل فرهنگی است. قاسمی تأکید کرد: با توسعه گردشگری تخصصی، میراث فرهنگی و میراث طبیعی نیز منتفع خواهند شد و امکان سازماندهی و احیای آن ها فراهم می شود. گردشگری می تواند هم زمان هم توسعه اقتصادی ایجاد کند و هم حفاظت از میراث را تقویت کند.

■ **نقد دوباره مثلث سازی در گردشگری ایران**
او خاطرنشان کرد: اگر قرار باشد برنامه ای کامل از تاریخ و معماری ایران به گردشگران ارائه شود، استان هایی مانند فارس و اصفهان نمونه های خوبی هستند. اما حتی در این نگاه هم می توان استان خوزستان را به آن ها افزود. با این حال، اگر مجبور به تعریف «مثلث» باشیم، ترجیح می دهم مثلث های متنوعی مانند لرستان، خوزستان، فارس یا اصفهان، سمنان، کردستان یا آذربایجان، کردستان، زنجان را مطرح کنم؛ چرا که هر گوشه ایران خود یک مثلث طلایی است.

■ **زیرساخت ها؛ چالش اصلی گردشگری**
این کارشناس گردشگری اذعان کرد: در حوزه گردشگری هوشمند، هنوز بسیار تازه کار هستیم. مهم ترین چالش، زیرساخت هاست؛ از آموزش نیروی انسانی گرفته تا هتلداری، رستوران داری و تربیت راهنمایان گردشگری. این موارد باید هم زمان و هماهنگ با توسعه زیرساخت های فیزیکی پیش بروند، زیرا ضعف در یک استان می تواند کل زنجیره را تحت تأثیر قرار دهد.

■ **تجربه جهانی مثلث طلایی و ضرورت بومی سازی**
قاسمی عنوان کرد: که ایده مثلث طلایی نخستین بار در هند شکل گرفت و برای هر کشور و هر بازار هدف، مسیرهای متفاوتی تعریف شد. طبیعی است که مثلث طلایی تعریف شده برای ایران با مثلث های گردشگری اروپا یا چین یکسان نباشد. ما نیز باید با شناخت فرهنگ ملت ها، برای هر بازار هدف، الگوهای متناسب طراحی کنیم.

■ **آینده گردشگری ایران؛ نیازمند تصمیم کلان**
او تصریح کرد: با توجه به تجربه سی ساله ام در حوزه گردشگری، چشم انداز فعلی چندان امیدوارکننده نیست. تا زمانی که دولت و بخش خصوصی به این باور نرسند که گردشگری صنعتی زودبازده، پاک و مؤثر در تبادلات فرهنگی است، پیشرفت جدی حاصل نخواهد شد. اما اگر این نگاه شکل بگیرد، می توان به آینده ای روشن امیدوار بود.

■ **گردشگری؛ صنعت دوستی و تبادل فرهنگی**
این کارشناس گردشگری افزود: گردشگری بهترین ابزار برای تبادل فرهنگی است. ایران به عنوان کشوری با ظرفیت بالای گردشگری فرهنگی شناخته می شود و در کنار آن می توان گردشگری طبیعت گردی، زمین شناسی، اقوام، زبان شناسی، باستان شناسی، کشاورزی و سلامت را نیز توسعه داد. قاسمی در پایان کلام خود بیان کرد: برای هر شاخه گردشگری باید راهنمایان و متخصصان ویژه تربیت شوند. گام هایی در این مسیر برداشته شده، اما کافی نیست. لازم است از همین امروز، به صورت حرفه ای و تخصصی، در توسعه زیرساخت های انسانی و فیزیکی گردشگری اقدام کنیم.

محدودیت ۸۵ درصدی برق، صنعت سیمان را متوقف می کند



دبیر انجمن سیمان با هشدار نسبت به تشدید محدودیت های برق گفت: اعمال محدودیت ۸۵ درصدی در تیرماه می تواند تولید سیمان را متوقف کرده و زمینه کمبود و افزایش قیمت این محصول در بازار را فراهم کند.

به گزارش مهر، علی اکبر الوندیان، در نشست خبری اظهار کرد: اعمال محدودیت ۸۵ درصدی برق در تیرماه عملاً صنعت سیمان را متوقف خواهد کرد و موجب نایاب شدن سیمان در بازار می شود. با میزان انرژی اختصاص یافته به این صنعت، عملاً امکان تولید از بین خواهد رفت.

امیدواریم در این تصمیم تجدید نظر شود. انجمن سیمان، وزارت صمت و سایر نهادهای مرتبط به طور مستمر در حال پیگیری موضوع هستند تا از بروز این وضعیت جلوگیری شود. وی افزود: بر اساس آمار و اطلاعات موجود، تقاضای سیمان در سال جاری نسبت به سال گذشته حدود ۹ درصد رشد داشته است.

با توجه به توسعه بخش ساختمان و پروژه های زیرساختی، افزایش تقاضا امری طبیعی است و این رشد در آمار فروش و عرضه کالا نیز مشهود است؛ بنابراین اعمال محدودیت های ۸۵ تا ۹۰ درصدی نه به مصلحت کشور است و نه با

نیازهای بخش سازندگی همخوانی دارد.

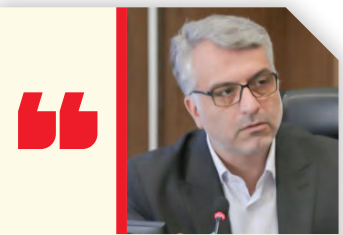
سیمان خمیرمایه توسعه و عمران کشور است و توقف تولید آن می تواند تبعات جدی به همراه داشته باشد. الوندیان ادامه داد: از خردادماه روند محدودیت های برق آغاز شده و به تدریج شدت گرفته است.

امیدواریم در این زمینه بازنگری صورت گیرد. تا پایان اردیبهشت ماه، با همراهی وزارت نیرو، وزارت صمت و دولت، توانستیم پاسخگوی تقاضای روبه رشد بازار باشیم و عرضه مناسبی در بورس کالا انجام شد؛ به گونه ای که کمبودی در بازار سیمان وجود نداشت. دبیر انجمن صنفی کارفرمایان صنعت سیمان اضافه کرد: اگرچه برخی کارخانه های سیمان در جریان حملات اخیر آسیب دیده اند، اما صنعت توانست تولید را حفظ کند. با این حال، روند محدودیت های اعمال شده از سوی وزارت نیرو از خردادماه به بعد به گونه ای است که صنعت سیمان را در تأمین نیاز کشور با مشکل جدی مواجه خواهد کرد.

وی ادامه داد: صنعت سیمان حدود ۱۵۶۰ مگاوات برق قراردادی دارد، اما به دلیل شرایط تولید، متوسط مصرف آن حدود ۱۲۰۰ مگاوات است. محدودیت های ۶۰ درصدی اعمال شده در خردادماه نیز بسیار نگران کننده بود. سال گذشته در اوج مصرف، حدود ۶۵۰ تا ۷۵۰ مگاوات برق در اختیار صنعت قرار می گرفت. اگر روند فعلی ادامه یابد، نگرانی اصلی ما توقف تولید است؛ زیرا در صورت نبود برق کافی، امکان فعالیت خطوط تولید وجود نخواهد داشت. الوندیان تصریح کرد: در شرایط فعلی تنها حدود ۴۰ درصد از ظرفیت تولید سیمان از محل کلینکر موجود و بدون نیاز به فعالیت کوره ها قابل بهره برداری است. این موضوع می تواند زمینه ساز افزایش غیرمتعارف قیمت سیمان شود.

در بازار تهران نیز قیمت ها در برخی موارد به بیش از سه برابر قیمت فروش کارخانه رسیده که بسیار نگران کننده است. دبیر انجمن صنفی کارفرمایان صنعت سیمان گفت: ما طی بیش از دو هفته گذشته پیگیر این موضوع بوده ایم تا حداقل برق معادل سال گذشته در اختیار صنعت قرار گیرد.





نادر آخوندی
مدیرکل درآمد
شهردار در حوزه اف
مردمی

آخرین فرصت استفاده
از مزایای مالی صدور
پروانه‌های ساختمانی
در اصفهان؛ پایان خرداد

مدیرکل درآمد شهرداری اصفهان و مشاور شهردار، در حوزه اقتصادی و مشارکت های مردمی می‌گوید: شهروندان تا پیش از این خرداورد دارند به دریافت پروانه ساخت، ساختن، گاهی عدم خلاف با پایان کار، از محاسبه عوارض بر مبنای تعرفه های سال گذشته و ۲۰ درصد تخفیف پرداخت می کردند. به عنوان مثال اگر شخصی در حوزه های شهری اصفهان اجرای بسته تسهیلاتی خود و شهروندسازی اطفای کوه بود، یکی از اصول پذیرفته شده در اقتصاد، توجه به هزینه پرداخت است؛ به این معنا که گاهی هزینه یک تصمیم، نه تنها چیزی نیست که پرداخت می شود، بلکه منفایی است که بر اثر تأخیر یا اقدام نکردن از دست می رود؛ بسته به شرایط شهرداری اصفهان نیز از همین منظر قابل ارزیابی است.

افزود: براساس مصوبه ابلاغی شهردار تاشکانتا، کارهای خریداران در خصوص دریافت پروانه ساختمانی، گواهی عدم خلاف یا پروانه پایان کار اقدام کنند، از دو مزیت همزمان برخوردار خواهند شد: نخست، محاسبه عوارض و هزینه‌های بر مبنای تعرفه‌های سال گذشته دوم، بهرمنی از درصد تخفیف در پرداخت. این شرایط در مجموع می‌تواند آثار اقتصادی چشمگیری برای املاک، سازندگان و سرمایه‌گذاران بخش ساختمان به همراه داشته باشد. مدیرکل درآمد شهرداری اضافه‌ای مشاور شهردار، در حوزه اقتصادی و مشارکت‌های مردمی ادامه داد: با پایان این مهلت، مبنای محاسبه و تعرفه‌های سال جاری تغییر خواهد کرد و تخفیف‌های پیش‌بینی شده نیز حذف می‌شود. به همین دلیل، تصمیم‌گیری

در روزهای باقی مانده تنها یک امتحان آداری نیست؛ بلکه تصمیمی اقتصادی است که می تواند بر هزینه ما هم‌شده پروژه های ساختمانی اثر مستقیم داشته باشد. خودنی یا بیان اینکه مدیریت شهری همواره تالش کرده است از ابزارهای شناسایی برای آسان شدن فعالیت های قانونی استفاده کند، گفت: هدف اصلی این بسته، ایجاد انگیزه برای تعیین تکلیف پروژه های ساختمانی، کاهش زمان انتظار شهروندان و تسریع در فرایند های اجرایی بوده است؛ در واقع، این سیاست ترازو به کمک به شهروندان، به افزایش شفافیت و علوم در مدیریت شهری نیز منجر می شود. او تصریح کرد: تجربه نشان داده است بخش چشمگیری از هزینه های تحمیل شده به پروژه های ساختمانی ناشی از تأخیر در تصمیم گیری و موکول کردن اقدامات مالی ضروری به هزینه های بعدی است. در شرایط کنونی نیز هر میزان تعلل، می تواند به معنای ازدست رفتن مزایایی باشد که تنها در بازه زمانی مشخص و محدود پیش بینی شده اند. مدیرکل درآمد شهرداری اصفهان و مشاور شهردار در حوزه اقتصادی و مشارکت های مردمی گزارش‌تان کرد: شهروندانی که در فرصت باقی مانده در خصوص تعیین تکلیف پروژه های خود اقدام کنند، علاوه بر بهر بهر مندی از شرایط مالی مناسب تر، از افزایش هزینه های ناشی از اجرای تعرفه های جدید نیز مصون خواهند ماند؛ از این رو، پایان خرداد را باید نقطه پایانی برای فرصت اقتصادی دانست، فرصتی که کس از آن امکان استفاده از مزایای کنونی وجود نخواهد داشت.

آخوندی تأکید کرد: بسته تشویقی شهرسازی شهرداری اصفهان را باید در چهارچوب حمایت از سرمایه‌گذاری، مدیریت بهینه منابع خاورا و آسان شدن فعالیت‌های ساختمانی تحلیل کرد. بر این اساس، اقدام به‌موقع در روزهای باقی‌مانده می‌تواند منافع اقتصادی چشمگیری برای شهروندان به‌همراه داشته باشد و از تحمیل هزینه‌های بیشتر در آینده جلوگیری کند.



حمید عصارزادگان
مدیر منطقه ۴ شهرداری اصفهان

غبارروبی و نظافت ورودی
مساجد و موکب های عزاداری
در منطقه ۱۴ اصفهان

مدیر منطقه ۴ شهرداری اصفهان از اجزای طرح غابروزی، پاک‌سازی و نظافت ورودی مساجد، حسینیه‌ها و مکه‌های عزاداری در سطح این منطقه هم‌زمان با فرارسیدن ایام سوگوارى حضرت ابا عبد الله الحسین (ع) خبر داد. حمید عزادارگان با اشاره به مسیح امکانات و نیروهاى خدمات منطقه اظهار کرد: علاوه بر نظافت و شست‌وشو ورودی مساجد، و مکه‌ها، جمع‌آوری پسماند، پاک‌سازی معابر، منتهی به مرکز مذهبی و آماد ساختن نیروهاى خدمات در دستور کار قرار گرفته است تا خدمات رسانی مطلوبی به هیأت‌های مذهبی و عزاداران ارائه شود. این رویکرد در راستای خدمات ویژه شهرداری اصفهان به هیأت‌ها، مساجد و مکه‌های عزاداری در ایام محرم اجرامی شود.

کرد؛ خدمت رسانی به شهروندان و آزاداران حسینی در ایام محرم، شهادت اعیان و فرهنگی و اجتماعی است و مدیریت شهری تلاش می کند با همکاری هیأت های مذهبی و خادمان اهل بیت (ع)، فضایی پاکیزه، امن و در شأن مراسم عزاداری سیدالشهدا برپا کند. فرهنگ دان و ادامه داد: رعایت نظافت محیطی و حفظ سیمای شهری در کنار برگزاری آیین های مذهبی، جلوه ای از فرهنگ اصیل دینی و احترام به حقوق شهروندی است و مشارکت شهروندان و هیئت های مذهبی در این زمینه می تواند نقش مؤثری در ارتقای کیفیت محیط شهری و تکرییم آزاداران حسینی داشته باشد.

به پایان رسید.

جشنیدلقای اظهار کرد: در صدآینده‌های مسئول به صورت ساعتی برای کل هفته بیانگر این بود که ذرات معلق در $PM_{2.5}$ بیشتر ساعت ۷ و پس از آن به ترتیب PM_{10} و NO_2 و SO_2 در برخی ساعات هفته به عنوان آلاینده مسئول شناخته شدند.

مدیرکل مطالعات و برنامه‌ریزی معاونت حمل‌ونقل و ترافیک شهرداری اصفهان با اشاره به سطح اهمیت بهداشت آلاینده‌ها خاطرنشان کرد: از عمده بازه هفته مذکور، کیفیت هوای در سطح قابل قبول بوده است و پس از آن در برخی ساعات نیز کیفیت هوا، به ترتیب در سطح ناسالم برای گروه‌های حساس، بسیار ناسالم قرار گرفت.

لقای بیان اینکه در مجموع این مقدار عددی شاخص آلاینده‌ها در سطح پاک و خطرناک قرار نگرفت، گفت: این وضعیت نشان می‌دهد شرایط مطلوب کیفیت هوای شهر اصفهان را حفظ نگذاشته است و امیدواریم این روند ادامه‌دار باشد.



مجتبی حق شناس
مدیرعامل سازمان سیمما، منظر و فضای
سبز شهری شهرداری اصفهان

اجرای طرح توسعه آبیاری نوین در مادی و عনা

مدیرعامل سازمان سیما، منظر و فضای سبز شهری شهرداری اصفهان از اجرای بخشی از طرح توسعه زیرساخت‌های آبیاری نوین در محدوده دریاچه و استا خرد، با جمعی حق‌شناس اظهار کرد: در راستای بهینه‌سازی مصرف آب و ارتقای بهره‌وری آبیاری فضای سبز شهری، عملیات اجرای شبکه آبیاری قطره‌ای در محدوده مذکور و اعزام جاده شده است. او افزود: در این پروژه، شبکه آبیاری قطره‌ای با مساحتی بالغ بر هزار و شصت مترمربع اجرا شده و برای رانندگی آن ۵۸ متروله با قطر ۳۲ میلی‌متر مورد استفاده قرار گرفته است.

مدیرعامل سازمان سیما، منظر و فضای سبز شهری شهرداری اصفهان با اشاره به اهمیت توسعه سامانه‌های آبیاری نوین در شرایط محدودیت منابع آبی، خاطرنشان کرد: استفاده از روش آبیاری قطره‌ای، ضمن کاهش هدررفت آب، موجب توزیع همدند و یکنواخت در محدوده زیرساخت‌های آبیاری و کیفیت نگهداری فضای سبز شهری می‌گردد.

حق‌شناس تأکید کرد: اجرای این گونه پروژه‌ها در راستای سیاست‌های مدیریت شهری برای حفظ و توسعه فضای سبز، کاهش مصرف آب و ارتقای پایداری محیط‌زیست شهری با جدیت ادامه خواهد داشت.



مهدی سلطان آقایی
مدیر منطقه ۷ شهرداری اصفهان

**اجرای طرح ۲۲ میلیارد ریالی
برای ارتقای تابلوهای
راهنمای مسیر
در منطقه ۷ اصفهان**

مدیر منطقه ۷ شهرداری اصفهان از اجرای طرح نصب و بازسازی تابلوهای هدایت مسیر در معابر این منطقه با اعتباری بالغ بر ۲۲ میلیارد ریال خبر داد و گفت: این اقدام با هدف افزایش ایمنی تردد، کاهش سردرگمی رانندگان و بهبود کیفیت راهنمایی مسیرها در محورهای پرتردد در حال انجام است. مهدی سلطان آقایی اظهار کرد: به منظور ارتقای کیفیت راهنمایی مسیرها و افزایش ایمنی تردد، عملیات نصب تابلوهای جدید و بازسازی تابلوهای آسیب دیده و فرسوده در معابر منطقه ۷ در حال انجام است. او افزود: در این طرح، تابلوهای هدایت مسیر به مساحت ۱۵ مترمربع نصب و بازسازی می شود و برای اجرای آن، حدود ۲۲ میلیارد ریال اعتبار بزرگ شهرداری اصفهان به مدیر منطقه ۷ شهرداری اصفهان با اشاره به اهمیت تابلوهای هدایت مسیر گفت: این تابلوها با کمک به تشخیص به موقع مسیرهای حرکتی، نقش مؤثری در کاهش سردرگمی رانندگان و افزایش ایمنی تردد دارند. او ادامه داد: با توجه به فراگرفتن مجموعه ترددگرایی باغ فکد در محدوده منطقه ۷ و تردد گسترده مسافران و گردشگران، وجود تابلوهای هدایت مسیر مناسب نقش مهمی در تسهیل بینندگان و دسترسی آسان تر به مقاصد مختلف ایفا می کند. سلطان آقایی خاطرنشان کرد: این امر، رانستای محوهای بازگراه شهید چمران، خیابان اشراق شمالی، بلوار شهید سید حسن نصرالله و خیابان هسا در اولویت اجرای این طرح قرار گرفته و عملیات نصب و بازسازی تابلوهای هدایت مسیر در این معابر در حال انجام است.



جمشید لقایی
مدیرکل مطالعات و برنامه‌ریزی معاونت
حمل‌ونقل و ترافیک شهرداری اصفهان

هفته سوم خرداد در اصفهان؛ پنج روز هوای قابل قبول ثبت شد

مدیرکل مطالعات و برنامه‌ریزی معاونت حمل‌ونقل و ترافیک شهرداری اصفهان با اشاره به اطلاعات ایستگاه‌های سنجش آلودگی هوای شهر اصفهان گفت: هفته گذشته (هفته سوم خرداد) با ثبت پنج روز قابل قبول، دو روز ناسالم برای گروه‌های حساس و یک روز ناسالم با میانگین هفتگی ۱۱۱

۴	میراث اصفهان
esfahan ziba online	
	
شماره ۵۳۹۱	
۲۷ / ۰۳ / ۱۴۰۵	
چهارشنبه	
دبیر صفحه: الله جلالی ویراستار: عذرا دبیانی	
 مقبره یوشع نبی	

حقایق درباره مقبره یوشع نبی در تخت فولاد اصفهان



مقبره یوشع نبی در بخش شرقی و کهن ترین بخش تخت‌فولاد به نام لِسَانُ الْأَرْض و در جوار مسجدی به همین نام جای دارد.

این زیارتگاه که احتمالاًقدیمی‌ترین بنای این قبرستان بوده، منسوب به یوشع‌بن‌نون، از سبط افراتیم، از نوادگان حضرت یوسف و وصی حضرت موسی علیه‌السلام بوده است. یوشع از شخصیت‌های تأثیرگذار در دین یهود به شمار می‌آید.

او در ابتدای زندگی‌اش، هوشع به معنای «نجات‌دهنده» نامیده می‌شد؛ اما بعدها حضرت موسی نام او را به یوشوع یا یُوشع به معنای «یهوه نجات‌دهنده» تغییر داد. یوشع در زمان خروج بنی‌اسرائیل از مصر ۴۴ساله بود.

بر طبق متن تورات، زمانی که حضرت موسی از کوه سینا برای دریافت الواح بالافرت، یوشع قسمتی از راه را همراه او بود؛ همچنین ششمین کتاب عهد عتیق به نام او است.

کتاب یوشع با فرمان جانشینی او به جای موسی و عهده‌داری رهبری بنی‌اسرائیل شروع و باتوصیف وفات و محل دفن او به پایان می‌رسد و در آن به وقایع مهمی ازجمله معجزه «توقف آفتاب» در جنگ با عموریان و پیروزی امتداد بنی اسرائیل به رهبری یوشع در تصرف کنعان و تقسیم آن سرزمین بین دوازده سبط بنی اسرائیل اشاره شده است.

یوشع ۱۴ سال رهبر بنی اسرائیل بود و سبک زندگانی گله‌داری آنان را به شهرنشینی و کشاورزی تبدیل کرد و به پراکندگی اسباط بنی اسرائیل خاتمه داد. در پایان کتاب یوشع به مرگ او در ۱۱۰سالگی و دفنشن در ملک خودش اشاره شده است.

جسد او را در ملک موروثی‌اش در حوالی «تَمَکَه سازح» در کوهستان افراتیم در شمال شرقی اورشلیم به خاک سپردند.

با توجه به سرگذشت یوشع‌بن‌نون و منابع تخصصی مربوط به آن، حضور یوشع در ایران و به خصوص اصفهان با توجه به زمان و مکان رسالت یوشع و دوران اسارت و مهاجرت یهودیان به اصفهان پذیرفتنی نیست.

افزون بر این‌ها، مقبره‌های دیگری ازجمله در شمال فلسطین، در کفر حانون و شمال لبنان به یوشع منسوب است؛ اما آنچه مسلم است پیروان دین یهود از قدیمی‌ترین ساکنان اصفهان به‌شمار می‌آیند و منابع تاریخی مهاجرت آنان به اصفهان را در حدود ۵۸۶ قبل از میلاد، یعنی پس از فتح بیت‌المقدس به دست بخت‌النصر روایت کرده‌اند.

به‌این‌ترتیب، با حضور یهودیان از زمان قدیم در اصفهان، وجود مزارهای منسوب به بزرگان و شخصیت‌های دینی یهودی همانا انبیای آنان در این شهر معنادار و عادی است.

گزارش‌هایی نیز از زیارت یهودیان از این مقبره در دست است. به گفته همایی، مقبره یوشع ضریح چوبی کوچکی نیز داشته و مردم آن مزار را به‌عنوان یکی از انبیای بنی اسرائیل زیارت می‌کردند و مقبره محل توسل و نذورات بوده است.

مقبره یوشع و بناهای اطراف آن تاآبان ۱۳۶۱ برجا بود. در این سال، به سبب شتاب‌زدگی درآماده‌سازی فضای مناسب برای دفن ۳۷۰ شهید عملیات محرم در جنگ عراق علیه ایران، این مقبره و آثار متعلق به دورهٔ دلبیمان تخریب شد.

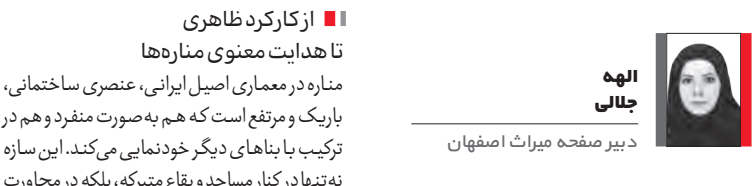
در ۱۳۶۵ش با پیگیری شیخ عباسعلی ادیب، فقیه و ادیب، مزاری ساده به شکل سنگ گبری از جنس مرمر بر روی یک صفه ساخته شد.

ابتدا بر سنگ قبر به اشتباه نام اشعای نبی حک شده بود؛ اما چند سال بعد قسمت بالای این سنگ مرمت و نام یوشع نبی بر آن ثبت شد؛باین‌حال، در متن کتیبه سنگ قبر به روایت خوانساری از کتاب «روضات‌الجنات فی احوال العلماء والسادات»، این بنا منسوب به اشعای نبی دانسته شده و دوگانگی در متن به وجود آمده است.

امروزه حماری فلزی به ارتفاع ۱٫۵ متر دورتادور سکو کشیده شده و امکان زیارت فقط از پشت حصار میسر است./ **دانشنامه اصفهان**

اصفهان؛ شهر مناره‌ها

بررسی نقش مناره‌ها در هویت‌سازی شهری و ارائه پیشنهادهایی برای بهره‌گیری از این ظرفیت ویژه در اصفهان



مناره‌های اصفهان فراتر از تزیینات مذهبی، نمادی از نبوغ مهندسی ایرانی هستند. عنوان «شهر مناره‌ها» برای اصفهان نباید تنها یک صفت توصیفی باشد؛ بلکه باید به فرصتی ویژه برای برندسازی شهری تبدیل شود. ■

مناره‌ها ازجمله سازه‌های شاخص و تاریخی شهر اصفهان با قدمت و میراثی غنی به‌شمار می‌روند؛ درحالی‌که امروزه در هیاهوی زندگی مدرن، کمتر کسی به معماری و علت وجود این سازه‌ها در بافت شهری توجه می‌کند. مهدی گلی‌پور و حسین وطن‌خواه در پژوهش خود با عنوان «اصفهان؛ شهر مناره‌ها»، به واکاوی دقیق معماری و اهمیت این سازه‌های بلند در بافت شهری اصفهان پرداخته‌اند. نویسدگان در گام نخست، به ریشه‌شناسی واژه «مناره» اشاره کرده‌اند و آن را «محل تجلی نور» معنا می‌کنند. از منظر زبان‌شناسی، اصل این کلمه از واژه «منوار» و بر وزن «مفعال» است. اگرچه وزن مفعال در زبان عربی اغلب برای نام‌گذاری ابزار و آلات (مانند مفتاح برای کلید یا مقرض برای قیچی) به کار می‌رود، در اینجا دلالت بر «اسم مکان» دارد؛ مشابه واژه «محراب» که به معنای جایگاه نبرد انسان با نفس است. با گذشت زمان و تحت تأثیر قواعد زبانی، واژه «منوار» به شکل امروزی آن یعنی «منار» یا «مناره» تغییر یافته است.

■ مناره‌های فراموش‌شده اصفهان نیازمند توجه و رسیدگی فوری

در سال‌های اخیر، تلاش‌هایی برای حفظ و مرمت مناره‌های اصفهان صورت گرفته است. مناره‌های مسجدجامع اصفهان و مسجدجامع عباسی، به‌عنوان نمادهای معماری دوران سلجوقی و صفوی، با بهره‌گیری از روش‌های سنتی و مصالح سازگار با بافت اصلی، مورد مرمت قرار گرفته‌اند. این عملیات حفاظتی علاوه بر اینکه از تخریب آجرها و کاشی‌کاری‌های ظریف جلوگیری کرده، با تقویت سازه‌ای، پایداری این بناهای بلند را در برابر عوامل محیطی تضمین کرده است. امروز این مناره‌ها همچنان به‌عنوان دیده‌بان‌های تاریخ، هویت بصری شهر را شکل می‌دهند؛باین‌حال، بخشی از میراث مناره‌های اصفهان در وضعیتی بحرانی قرار دارند؛ به ویژه مناره‌های مساجد کوچک در بافت قدیمی شهر و مناره‌های امامزاده‌ها در حومه شهر که به دلیل دوری از مرکز توجه و نبود بودجه‌های کافی، با خطر ریزش روبه‌رو هستند.

برخی از این سازه‌ها که متعلق به دوران گدار (مانند ایلخانی و تیموری) هستند، دچار تخریب‌های شدید در قسمت تاج و بدنه شده‌اند. این مناره‌های فراموش‌شده و بی‌نام، اگرچه در کتب تاریخی کمتر به آن‌ها اشاره شده، اگر سریع‌تر تحت نظارت کارشناسان قرار نگیرند، بخشی از تاریخ بصری شهر را برای همیشه از دست خواهیم داد.



می‌یافتند. مناره در اینجا نه فقط یک بنا، که یک فانوس دریایی در دل خشکی بود.

■ نوع مهندسی؛ تقابل با زلزله و نشست زمین
در معماری اصفهان، مناره‌ها فراتر از جنبه بصری، نقشی کلیدی در پایداری سازه ایفا می‌کنند. مناره‌های زوجی که در طرفین ایوان‌های عظیم (مانند مسجد جامع عباسی) قرار دارند، درواقع حکم مهاربند را دارند. وزن سنگین و متمرکز مناره‌ها باعث می‌شود نیروهای جانبی ناشی از گنبد‌های بزرگ و طاق‌های حجیم به‌صورت عمودی به زمین منتقل شده و از رانش بنا یا فروپاشی آن بر اثر زلزله و نشست‌های احتمالی زمین جلوگیری شود.

■ کارکرد امنیتی؛ برج‌های دیده‌بانی شهر
بسیاری از مناره‌های اصفهان نقشی چندگانه داشتند که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، جنبه نظامی و امنیتی بود. ارتفاع زیاد این بناها، اشراف کاملی به دیده‌بان‌ها می‌داد تا هرگونه تحرک مشکوک در اطراف شهر، هجوم احتمالی دشمن یا وقوع آتش‌سوزی در محله‌های دوردست را به سرعت رصد کنند و گزارش دهند. این دید ۳۶۰ درجه، امنیت پایتخت را در دوران پراشوپ تاریخی تضمین می‌کرد.

■ نشان‌شناسی شهری و هویت‌بخشی به محله‌ها
در بافت و کوچه‌های پرپیچ‌و‌خم اصفهان قدیم، مناره‌ها به‌عنوان نشانه‌های شهری (Urban Landmarks) عمل می‌کردند. هر محله با مناره خاص خود هویت می‌یافت. این سازه‌های بلند به ساکنان و مسافران کمک می‌کرد تا بدون گم‌گشتگی، موقعیت خود را نسبت به مراکز مذهبی و اداری شهر تشخیص دهند.

■ تجلی قدرت و هنر ایرانی
مناره‌ها همواره ابزاری برای نمایش اقتدار سیاسی پادشاهان و مهارت بی‌بدیل معماران بوده‌اند. از تزیینات آجری پیچیده و هندسی در مناره‌های دوره سلجوقی (مانند منار ساریان) تا کاشی‌کاری‌های معرق و فیروزه‌ای در دوره صفوی، همگی پیامی از ثروت، ثبات و تسلط هنری حکومت بر پایتخت را به جهان مخابره می‌کردند. هر مناره، بیانیه‌ای از شکوه تمدنی بود که هنر را به افلاک پیوند می‌زد. درمجموع، می‌توان گفت که مناره‌های اصفهان فراتر از یک عنصر کالبدی در معماری مساجد، نمادی از آرامیختگی نیاز و هنر در اندیشه ایرانی هستند. این سازه‌های باشکوه که روزگاری با شعله‌های آتش، راه امن را به کاروان‌ها در مسیر جاده ابریشم نشان می‌دادند و با قامت خود، پایداری بناهای عظیم را در برابر قهر زمین تضمین می‌کردند، امروز به‌عنوان میراثی گران‌بها، راوی تاریخ پرفرازونشیب پایتخت تمدن ایران هستند. هر آجر و کاشی این مناره‌ها، نشانی از نبوغ معمارانی است که توانستند مفاهیم انتزاعی همچون هدایت، امنیت و اقتدار را در قالبی چنین موزون و قد برافراشته به تجسم درآورند. حفاظت از این فانوس‌های تاریخی که هویت بصری و معنوی شهر اصفهان را شکل داده‌اند، پاسداشت یک سبک معماری و آرج نهادهان در تفکری است که در آن، هر بنا هم‌زمان عهده‌دار چندین نقش حیاتی، از مهندسی سازه گرفته تا نشانه‌شناسی شهری بوده است. مناره‌های اصفهان همچنان پس از سده‌ها، ایستاده بر آستانه آسمان، مارا به بازخوانی معماری اصیلی فرا می‌خوانند که در آن، فرم و معنا به توازنی زیبا رسیده‌اند.

■ راهکارهایی برای بهره‌گیری از ظرفیت مناره‌های اصفهان
به گزارش «اصفهان‌زیبا»، با توجه به اینکه اصفهان «شهر مناره‌ها» نامیده می‌شود، معرفی مناره‌های آن نباید تنها به صفحات روزنامه‌ها یا گزارش‌های خبری محدود شود؛ چراکه میراث فرهنگی، با الماس و تجربه‌شدن زنده می‌شود. ما نیازمند مسیرهای تازه‌ای برای پیوند دادن مردم با این بناها هستیم؛ از برگزاری شبگردی‌های موزیکال و روایتگری در سایه مناره‌ها گرفته تا جشنواره‌های هنری و رقابت‌های عکاسی که نگاه مخاطب را دوباره به جزئیات معماری آن‌ها جلب کند؛ حتی می‌توان با استفاده از کدهای QR در کنار هر بنا، داستان‌های ناگفته این مناره‌ها را به‌صورت دیجیتال برای گردشگران روایت کرد. عنوان «شهر مناره‌ها» برای اصفهان نباید تنها یک صفت توصیفی باشد، بلکه باید به یک فرصت تبدیل شود. زمان آن رسیده است که از این ظرفیت منحصره‌فرد برای برندسازی شهری استفاده کنیم و با تبدیل این نقاط به کانون‌های فرهنگی و هنری، اجازه دهیم مناره‌های اصفهان بار دیگر، نه فقط به‌عنوان یادمانی از گذشته، بلکه به‌عنوان نمادهای زنده و پویا در قلب شهر بدرخشند.

اهمیت «کمیته ملی سپر آبی»

جای «کمیته ملی سپر آبی» خالی است

پس از تهاجم اخیر آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه کشورمان، با انتشار گزارش‌هایی درباره آسیب‌دیدگی برخی بناها و محوطه‌های تاریخی، موضوع سازوکارهایی برای حفاظت از میراث فرهنگی بیش از گذشته مورد توجه افکار عمومی، کارشناسان و فعالان حوزه میراث فرهنگی قرار گرفت. در چنین فضایی، اظهارات پتی گرستنبلیت، رئیس کمیته سپر آبی آمریکا و از چهره‌های شناخته‌شده حقوق‌بین‌الملل میراث‌فرهنگی، بار دیگر بحث جایگاه ایران در سازوکارهای جهانی حفاظت از میراث فرهنگی در دوران بحران را به صدر گفت‌وگوهای تخصصی آورد.

■ ایران و لبنان فاقد «کمیته ملی سپر آبی» هستند

گرستنبلیت در سخنانی اعلام کرده بود که ایران و لبنان فاقد کمیته ملی سپر آبی هستند. هرچند این حقوق‌دان برجسته تأکید کرده بود که تشکیل کمیته ملی سپر آبی شرط لازم برای استفاده از نشان سپر آبی نیست، وجود چنین کمیته‌هایی بخشی از سازوکارهای رسمی حفاظت از میراث فرهنگی در زمان جنگ بحران و بلاای گسترده محسوب می‌شود. این اظهارات در شرایطی مطرح شد که ایران با برخورداری از میلیون‌ها اثر تاریخی شناسایی شده، هزاران بنای ارزشمند، صدها موزه و ده‌ها اثر ثبت شده در فهرست میراث جهانی، یکی از مهم‌ترین دارندگان میراث فرهنگی در جهان به‌شمار می‌رود؛ کشوری که در طول تاریخ معاصر نیز تجربه جنگ، تهدیدهای امنیتی و بحران‌های مختلف را پشت سر گذاشته است.

■ جایگاه کمیته ملی سپر آبی و مسئله حفاظت از میراث فرهنگی کشور
پرسش مهمی که اکنون در میان کارشناسان مطرح می‌شود، این نیست که آیا ایران در حوزه حفاظت از میراث فرهنگی فاقد اقدام بوده است یا خیر؛ بلکه پرسش اصلی آن است که جایگاه کمیته ملی سپر آبی در نظام حفاظت از میراث‌فرهنگی کشور چیست ونبود آن چه تأثیری بر ظرفیت‌های حقوقی و بین‌المللی ایران در مواجهه با بحران‌های آینده خواهد داشت؟

■ سپر آبی فراتر از یک نشان بر سر در موزه‌ها
در روزهای ابتدایی جنگ رمضان انتشار تصاویر نصب نشان سپر آبی بر سر در برخی موزه‌ها و مراکز فرهنگی کشور با تازاب گسترده‌ای در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی داشت. بسیاری از کارشناسان این اقدام را نشانه‌ای از توجه نهاد‌های فرهنگی به الزام‌های حقوق بین‌الملل میراث فرهنگی دانستند؛ اما همین موضوع باعث شد پرسش دیگری نیز مطرح شود؛ اگر ایران فاقد کمیته ملی سپر آبی است، استفاده از این نماد بر چه مبنایی انجام‌دهد؟

منیره خلقی، رئیس ایکوم ایران، تأکید کرد: ایران تاکنون موفق به تشکیل کمیته ملی سپر آبی نشده است؛ اما این موضوع به معنای ممنوعیت استفاده از نشان سپر آبی نیست، به گفته او، استفاده از این نماد ریشه در کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه و پروتکل‌های الحاقی آن دارد، کنوانسیونی که ایران نیز از اعضای آن محسوب می‌شود. او معتقد است تا یکی از چالش‌های موجود، برداشت محدود از مفهوم سپر آبی است. از نگاه خلقی، در برخی سطوح هنوز سپر آبی صرفاً به عنوان یک علامت یا نماد شناخته می‌شود؛ درحالی‌که فلسفه وجودی آن بسیار گسترده‌تر از نصب یک نشان روی بناها و موزه‌هاست. به گفته رئیس ایکوم ایران، سپر آبی مجموعه‌ای از سازوکارهای حقوقی، آموزشی، حفاظتی و بین‌المللی را در بر می‌گیرد که هدف آن، کاهش آسیب به میراث فرهنگی در زمان جنگ و بحران است؛ ازهمین‌رو، این سازوکار تنها به موزه‌ها محدود نمی‌شود و کتابخانه‌ها، آرشیوها، اماکن مذهبی، مجموعه‌های فرهنگی و محوطه‌های تاریخی را نیز شامل می‌شود. همین گستردگی وظایف سبب شده است که تشکیل کمیته‌های ملی سپر آبی در بسیاری از کشورها نیازمند همکاری میان دستگاه‌های مختلف از جمله نهادهای فرهنگی، نیروهای نظامی، سازمان‌های امدادی، دانشگاه‌ها و مراکز تخصصی باشد.

■ تجربه جنگ رمضان و ضرورت بازنگری در سیاست‌های حفاظتی
جنگ رمضان بار دیگر اهمیت میراث فرهنگی را از یک موضوع صرفاً تخصصی به مسئله‌ای ملی و عمومی تبدیل کرد. انتشار تصاویر برخی آسیب‌ها به بناها و محوطه‌های تاریخی نشان داد که حتی در عصر فناوری‌های پیشرفته نیز میراث فرهنگی همچنان در معرض تهدید قرار دارد. هم‌زمان، این اتفاق فرصتی را نیز فراهم کرد تا موضوع آمادگی کشورها برای حفاظت از میراث فرهنگی در شرایط بحران مورد بازنگری قرار گیرد. بسیاری از متخصصان معتقدند تجربه اخیر می‌تواند به تقویت سیاست‌های حفاظتی، تکمیل بانک‌های اطلاعاتی، توسعه آموزش‌های تخصصی و ارتقای همکاری میان نهاد‌های مسئول منجر شود. در این میان، بحث تشکیل کمیته ملی سپر آبی نیز بیش از آنکه به یک موضوع نمادین محدود باشد، به بخشی از گفت‌وگوهای مرتبط با حکمرانی فرهنگی و مدیریت بحران تبدیل شده است. واقعیت آن است که حفاظت از میراث فرهنگی در جهان امروز دیگر صرفاً به مرمت بناها یا نصب علائم هشداردهنده محدود نمی‌شود. جنگ‌های جدید، تهدیدهای سایبری، حمله‌های دقیق، بلاای طبیعی و بحران‌های پیچیده انسانی، الگوهای تازه‌ای از مدیریت ریسک را پیش روی دولت‌ها قرار داده‌اند. برای کشوری همچون ایران که بخش مهمی از هویت تاریخی، فرهنگی و تمدنی خود را در قالب آثار ملموس و ناملموس حفظ کرده است، تقویت سازوکارهای پیشگیرانه و بهره‌گیری از ظرفیت‌های حقوقی بین‌المللی می‌تواند به‌عنوان مکمل توانمندی‌های داخلی مورد توجه قرار گیرد./ **مهرو**

این استاد دانشگاه در بخش دیگری از سخنان خود به کتاب «پدیدارشناسی ترور آیت‌الله شمس آبادی» اشاره کرد و آن را از آثاری دانست که به یکی از رخداد‌های کمتر بررسی‌شده در تاریخ معاصر اصفهان پرداخته است. او گفت: اهمیت چنین کتاب‌هایی در این است که به زوایایی از تاریخ نزدیک می‌شوند که یا کمتر درباره آن‌ها سخن گفته شده یا در گذر زمان

۶	کتاب و ادبیات
esfahan ziba online 	
 	
مهمان زیبا	
شماره ۵۳۹۱	
۲۷ / ۰۳ / ۱۴۰۵	
چهارشنبه	
ویراستار و دبیر صفحه	
سیده نرگس نظام‌الدین	
شهر	

تقابل عقل و احساس به زبان غزل



کتاب غزل «تجر»، سروده احمد صالحی نژاد، از سوی انتشارات سوره مهر منتشر شد. کتاب غزل «تجر» در ۷۵ صفحه و شامل ۳۵ غزل است که با زبانی استعاری و رویدکردی احساسی فکری به موضوعاتی چون عشق، تنهایی،خودشناسی وکشمکش‌های درونی انسان معاصر می‌پردازد. شاعر در این اثر تلاش کرده تجربه‌های ذهنی و عاطفی خود را در قالب غزل‌های مستقل اما هم‌فضا به تصویر بکشد. در بخشی از این مجموعه، تقابل عقل و احساس و نیز تردیدهای درونی انسان در مسیر شناخت خویشن برجسته شده است. کتاب «تجر» در از ۳۵ غزل با عناوین همچون «گذرگاه»، «قمارخانه»، «منافق»، «پرتگاه»، «باتلاق آرزو»، «پیغمبر عشق» و «سکوت» تشکیل شده که هرکدام به یک‌ی از وجوه تجربه زیسته انسان امروز اشاره دارد.
مهر

روایتی از تداوم خط عاشورا در تاریخ معاصر

کتاب «صبح روز دهم»، به قلم سید محمد حسین راجی، منتشر شد. این اثر با تمرکز بر مؤلفه‌های عاشورایی در سیره رهبر شهید انقلاب، تلاش دارد پیوند میان فرهنگ عاشورا و تجربه‌های معاصر جهاد و مقاومت را روایت کند. در این کتاب، نویسنده با اشاره به ده شاخصه عاشورایی، به بازخوانی مفاهیمی چون اخلاص، شجاعت، ایثار، عزت‌مداری، مجاهدت و بی‌اعتنایی به دنیا در زندگی و سیره رهبر شهید انقلاب پرداخته و این مفاهیم را در امتداد مکتب امام حسین (ع) تحلیل کرده است. «صبح روز دهم» روایتی است از تداوم خط عاشورا در تاریخ معاصر؛ مسیری که از واقعه کربلا آغاز می‌شود و تا حوادث و شخصیت‌های معاصر جهان اسلام امتداد می‌یابد. نویسنده در بخش‌های مختلف کتاب، با بهره‌گیری از خاطرات و روایت‌های مرتبط با رهبر شهید انقلاب، رئیس‌جمهور شهید، شهید حاج قاسم سلیمانی و حماسه‌سازان جنگ ۳۵ روزه و دفاع مقدس سوم، تلاش کرده است تصویری از استمرار فرهنگ مقاومت ارائه دهد. این اثر در واقع ویرایش جدید و تکامل یافته کتاب «از ظهر عاشورا تا شام بنیاد» به شمار می‌رود؛ کتابی که پیش‌تر با محوریت خاطرات و سیره شهید حاج قاسم سلیمانی منتشر شده بود. نسخه جدید علاوه بر محتوای پیشین، با افزودن شدن روایت‌هایی تازه از چهره‌های مقاومت و رخداد‌های معاصر، گسترش یافته است. کتاب «صبح روز دهم» در ۳۲۴ صفحه و از سوی انتشارات سوره مهر منتشر شده و برای علاقه‌مندان به معارف عاشورایی، ادبیات مقاومت و روایت‌های مرتبط با سیره شخصیت‌های معاصر انقلاب اسلامی در دسترس قرار گرفته است.

داستان کوتاه

قصه‌هایی کوتاه از جهان

ماورای ذهن

واقع‌ترین مجموعه داستان عماد عبادی با عنوان «فریم فریم ابری» توسط انتشارات نظام الملک منتشر شد. این کتاب پنجمین مجموعه داستان کوتاه عماد عبادی است که نویسنده در آن از زاویه دیدی منحصربه‌فرد به مفاهیمی چون عشق، وفاداری، تنهایی، ظلم و تعدی، تقدیرگرایی و ملال و مرگ نگاه ویژه و متمایزی داشته است.

ویژکرد اغلب داستان‌های این نویسنده آمیخته‌ای از گذشته و حال، تقابل سنت و مدرنیته و جهان ماورای ذهن است.

وقایع تاریخی، خاطرات، جهان اسطوره و افسانه بن‌مایه‌های داستان‌های عبادی را می‌سازند. «از کرانه‌های باختری تا عمارت یغمایی‌ها»، «اصفهان اصفهان»، «آدم‌های ماندن روی دستم»، «باغ نارون»، «روماگو»، «من مشغول مردن بودم» و «سایه‌گستر»

ازجمله داستان‌های این مجموعه هستند. پیش‌تر، از عماد عبادی مجموعه داستان‌های «گور گم»، «خون طاووس» و «رمان «باران تند می‌بارد»

توسط انتشارات نظام الملک به چاپ رسیده که دو عنوان داستان‌های کوتاه او به مرحله نهایی جایزه ملی جلال راه پیدا کردند.

کتاب «فریم فریم ابری» شامل ۱۴ داستان کوتاه در ۲۶۶صفحه و با قیمت ۵۸۵۰۰ تومان به بازار نشر عرضه شده است.

بالیدن همیشگی شعر آیینی در دامن ادبیات فارسی

مروزی کوتاه بر تارِیخچه اشعار آیینی شعرای اصفهان



حماسی؛ برای مثال، در کتاب «شعله شقایق» جنبه‌های حماسی بیشتر پرورده شده است: ما هو القتل علی شوق الولا/ ملئه العیّد فی جید الفتا/ أقتلونی یا سیوف القاتلات/ أقتلونی أنّ فی قتلی حیات/ خطبه‌های آتشین پیر راه/ آنچه کرده نقشه دشمن تباه/ بیعت ما نیست با مثل یزید/ مثلی لا یباع مثل یزید/ بیعت ما نیست با مثل یزید/ ننگ را کس در مرام ما ندید/ ما هو القتل و احلی من عسل/ قوله صدقّ و صدقّ فی العمل/ ذلت از معیار ما دور است دور/ هیهات من الذله/ ذلت از معیار ما دور است دور/ شیوه ما رزم و عزم و عشق و شور/ ما فساد و چهل را گردن زنیم/ از تمام زشتکاران تن زنیم/ با جهان بینی جهان‌گیری کنیم/ روبه‌ان هستند ما شیری کنیم/ چیست معنای سخن‌های بلند/ لذت این خلقه و عشق و کمند/ آزمون انتخاب و اتصال/ اهتزاز جان و شوق و شور و حال/ نخبانج در خلقه عشقی تمام/ در پی عنقا و همراه امام/ در کف هر یک برات تازه‌ای/ غمزه‌پرداز رخ غم‌خاه‌ی.

|| به جز محتشم که مربوط به دوره صفویه است، وحشی بافقی هم عصر اوست. بعد از آن، به دوره باگشتن می‌رسیم و به شاعری از دوره قاجار به نام یغمای جندقی برمی‌خوریم. او در اشعارش، به خصوص در اشعار عاشورایی، شیوه‌ای را به نام مستزاد ابداع می‌کند که چون شامل تکرار آن است و ریتم خاصی دارد، بعدها در سینه‌زنی‌ها از آن به‌وفور استفاده شده و حتی بعداً در شعر مشروطه، نسیم شمال از همان شیوه استفاده می‌کند و شعرهایی را در موضوعات سیاسی می‌سراید.

|| یکی از شخصیت‌های اصفهان، به نام حسین مسرور، زاده کوهپایه و متوفای ۱۳۴۷، شاعر و نویسنده و ترجم‌ بوده و به خصوص در ماجرای کربلا اشعار بسیار زیبایی دارد. وقتی صدرالمحدثین اصفهانی به آواز اشعار او را می‌خواند، بسیاری از افراد پای منبرش در مجلس عزای امام حسین (ع) از هوش می‌رفتند. این نشان می‌دهد تأثیر کلام مسرور چقدر زیاد بوده است. او در شعرش صحنه‌ای از شهدا را در شب پس از حادثه توصیف می‌کند. مسرور در بخشی از شعر می‌گوید: «به یک سوی ساقی برفته ز دست، ز سوی دیگر مطرب افتاده مست»، این بخشی از شعر حسین مسرور است که بعدها شعر «مستان همه افتاده و ساقی نمائند، یک گل برای باغبان باقی نمائند» تحت تأثیر از این شعر پدید آمد. او در شورش صویرسازی عجیبی دارد و سوگ سروده‌اش بسیار تأثیرگذار د

|| شخص دیگری که در اصفهان دیوان مفصلی دارد، صغیر اصفهانی است که سوگ سروده‌ها و اشعار آیینی‌اش مشهور است. شاعر دیگری به نام قادر طهماسبی با تخلص فرید اصفهانی نیز داریم؛ البته اواصل‌اهل میانه آن‌زبانچان است؛ اما در اصفهان شخصیتش شکل گرفت و شعرش در اصفهان رشد و کمال یافت و بعدها به تهران رفت و اشعارش مربوط به جبهه و جنگ است؛ «در باغ شهادت را بستند/ کلدیش را چرا بارب شکستند» و غزل معروفش: «کربلا در کربلا می‌ماند اگر زینب نبود»، یک غزل کربلا‌ی بسیار بهم دربار حضرت مهدی به نام «خم سربسته» سروده است. خسرو احتشامی نیز غزل‌های زیبایی دارد و شعرهای عاشورایی دارد و نیز سعید بیابانکی و شعرای دیگری در اصفهان رشد و تربیت یافته‌اند و اشعار آیینی و عاشورایی با کیفیتی سروده‌اند.

اگر شعر عاشورایی و آیینی را در دو حوزه، به خصوص با محوریت واقعه کربلا، بخواهم دسته‌بندی کنیم، بخش قابل توجهش سوگ و مرثیه بوده و به بخش حماسی کمتر توجه شده است. مثلاً اگر به شعر محتشم و شعر محتشم و ترجیع‌بندش دقت کنیم، بر پایه ترثیه و سوگوازی مرثیه و سوگوازی سروده شده

|| افزون بر این، در خصوص

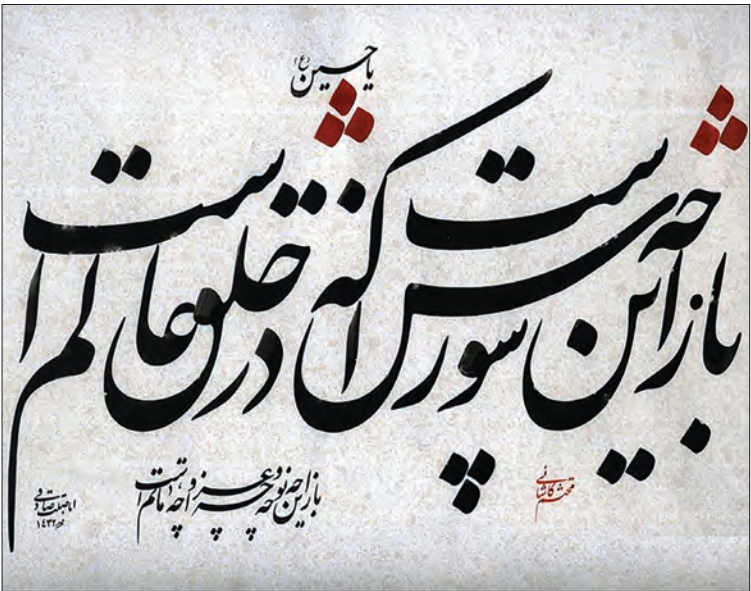
جنبه‌های حماسی کربلا هم بعضی اشعاری سروده‌اند؛ ولی از آنجا که براساس قول حکما، غم در وجود آدمی سرشتی و جلیلی بوده و شادی عارضی است، معمولاً غم از شادی ماندگارتر است. شادی عارضی و زودگذر است؛ ولی غم دوام بیشتری در وجود انسان‌ها دارد. «غم تمام قصه دیرین ماست، دوری از سرچشمه شیرین ماست»؛ حتی اگر هیچ غمی هم در دنیا نباشد، انسان احساس می‌کند که از اصلی جدا و به فراقی مبتلا شده و غم دوری او را می‌آزارد.

اگر حوادث و فاجعه‌های روزگار را هم در نظر بگیریم، این غم هر ساله تکرار می‌شود و پرتنگ است. اما ماجرای کربلا از جنس دیگری است و اصولاً آتشی است که در وجود انسان‌ها تا قیام قیامت خواهد ماند؛ زیرا تمام ستمگری در مقابل تمام مظلومیت ایستاد و شهدای کربلا را در سزمینی تشنه شهید کرد و این غم هرکس شنید، اشکی ریخت و بر ستم ستمگران لعن و نفرین فرستاد.

|| نمونه‌هایی از اشعار حماسی هم وجود دارد. انقلاب اسلامی و ماجرای دفاع‌های مقدس طی این سال‌ها نشان می‌دهد مردم ایران هم به جنبه سوگ و سوگوازی امام حسین (ع) توجه کرده‌اند، هم به جنبه‌های

مرثیه‌سرایی صرف‌محملی برای وادادگی است

نگاهی آسیب‌شناسانه به شعر آیینی و عاشورایی



فراوانش، نمونه‌های موفق کمتر دارد. در شعر آیینی نیز این مسئله نمود بیشتری یافته است. || یکی از دلایل افت کیفی شعر آیینی امروز ضعف میان فرم و محتواست. دلیل دیگر آسیب‌هایی است که خارج از اختیار شاعر و شعر است؛ همچون برگزاری‌های بی‌رویه و مستمر جشنواره‌ها و کنگره‌های ملی و مناسبتی‌که آسببی جدی به شعر آیینی معاصر وارد کرده است؛ زیرا شاعر مجبور است خودش را با موضوعات و شرایط کنگره و جشنواره تطبیق دهد که به دنبالش، شعرش خالی از محتوای عمیق می‌شود و ناچار است طبق سلیاق داوران پیش برود. از طرف دیگر، اشعار بدون نظارت کافی در فضای مجازی و نشریات یا به صورت کتاب منتشر می‌شود.

|| او نه آن قدر بلند شعر سروده که مخاطب دچار ملال شود، نه آن قدر کوتاه سروده که انتقال پیام را دچار نقصان کند، نه آن قدر با بیان عامیانه و ساده صحبت کرده که خواص از شنیدن شعر ملول بشوند و نه آن قدر پیچیده و فنی سروده که عوام از فهم پیام شعر بازمانند.

|| تعداد بسیار متولیان شعر در مجموعه‌های مختلف که تخصص چندانی هم ندارند، آسیب دیگری است. معضل دیگر به شعرای نزدیک به پایتخت بازمی‌گردد. به این معنا که شاعران دور از پایتخت، صداقت بیشتری در شعر دارند؛ زیرا کمتر در معرض دید هستند؛ اما شعرای پایتخت و نزدیک به پایتخت چون قرار است در برنامه‌های رسمی و صداوسیما دعوت شوند و مطابق با خصوصیات آن برنامه شعری بسرایند، شعرشان از اصول خالی شده و متناسب با نظرات و اندیشه‌های تولیدکنندگان برنامه می‌شود.

|| شعر عواطف رقیق و قوی‌ای را به خواننده القا می‌کند و از عقل‌گرایی بهره‌مند است. شعر محتشم درگیر غلوهای اشعار معاصر نیست و میانه‌روست و علاوه بر ویژگی‌های فنی، لطف و فیوضات شامل حال او شده که آن را باید در ویژگی‌های اخلاقی و سبک زندگی او پیگیری کنیم.

|| شعر عاشورایی اگر فقط مرثیه‌سرایی کند، جز محملی برای گریه و اشک انفعال و وادادگی نیست. حادثه عاشورا ابعاد گسترده‌ای دارد و شاعر شعر عاشورایی باید حداقل سه عنصر سوگ و حماسه و پیام را در شعرش به مخاطب منتقل کند و بدون این سه عنصر، نمی‌تواند پیام عاشورا را به مخاطب منتقل کند.

|| امام حسین (ع) بزرگ‌ترین و اولین شاعر شعر عاشورا هستند. ایشان شخصیتی هستند که با انگیزش فطرت‌ها شعر و ادب را به وادی حقیقت کشاندند و در خدمت یک اندیشه متعالی که هدف از قیامشان بود قرار دادند.

|| شاعر شعر عاشورا باید در زمینه عاشورا مطالعه و تفکر و تعمق کند. شعر بدون تفکر نمی‌تواند به انگیزش وجدان انسان‌ها منجر شود. شعر خوب شعری است که روح و وجدان خفته انسان‌ها را بیدار کند.

|| امروز در شعر عاشورایی عنصر مرثیه و سوگ را به خصوص در تعزیه می‌بینیم؛ اما در قالب گسترده‌تر شعر عاشورایی باید بیدارکننده و آگاهی‌بخش بوده و باعث اعتلای روحی انسان‌ها شود.

|| امروز در شعر شعری‌ای که مطالعه عمیق دارند، مرثیه صرف دیده نمی‌شود. شعری می‌تواند در زمینه عاشورا و ادبیات آیینی و دیگر زمینه‌ها مؤثر باشد که شامل اندیشه‌ها باشد و با روحيات اجتماع زمانه‌اش از لحاظ زبانی و عاشقانه و ارتباط برقرار کند.

|| امروز در شعر شعری‌ای که مطالعه عمیق دارند، مرثیه صرف دیده نمی‌شود. شعری می‌تواند در زمینه عاشورا و ادبیات آیینی و دیگر زمینه‌ها مؤثر باشد که شامل اندیشه‌ها باشد و با روحيات اجتماع زمانه‌اش از لحاظ زبانی و عاشقانه و ارتباط برقرار کند.

|| به‌طور کلی، غزل امروز ایران با وجود تنوع چشمگیر و کمیت فراوانش، نمونه‌های موفق کمتر دارد. در شعر آیینی نیز این مسئله نمود بیشتری یافته است. || یکی از دلایل افت کیفی شعر آیینی امروز ضعف میان فرم و محتواست. دلیل دیگر آسیب‌هایی است که خارج از اختیار شاعر و شعر است؛ همچون برگزاری‌های بی‌رویه و مستمر جشنواره‌ها و کنگره‌های ملی و مناسبتی‌که آسببی جدی به شعر آیینی معاصر وارد کرده است؛ زیرا شاعر مجبور است خودش را با موضوعات و شرایط کنگره و جشنواره تطبیق دهد که به دنبالش، شعرش خالی از محتوای عمیق می‌شود و ناچار است طبق سلیاق داوران پیش برود. از طرف دیگر، اشعار بدون نظارت کافی در فضای مجازی و نشریات یا به صورت کتاب منتشر می‌شود.

|| تعداد بسیار متولیان شعر در مجموعه‌های مختلف که تخصص چندانی هم ندارند، آسیب دیگری است. معضل دیگر به شعرای نزدیک به پایتخت بازمی‌گردد. به این معنا که شاعران دور از پایتخت، صداقت بیشتری در شعر دارند؛ زیرا کمتر در معرض دید هستند؛ اما شعرای پایتخت و نزدیک به پایتخت چون قرار است در برنامه‌های رسمی و صداوسیما دعوت شوند و مطابق با خصوصیات آن برنامه شعری بسرایند، شعرشان از اصول خالی شده و متناسب با نظرات و اندیشه‌های تولیدکنندگان برنامه می‌شود.

|| افزون بر این، در خصوص جنبه‌های حماسی کربلا هم بعضی اشعاری سروده‌اند؛ ولی از آنجا که براساس قول حکما، غم در وجود آدمی سرشتی و جلیلی بوده و شادی عارضی است، معمولاً غم از شادی ماندگارتر است. شادی عارضی و زودگذر است؛ ولی غم دوام بیشتری در وجود انسان‌ها دارد. «غم تمام قصه دیرین ماست، دوری از سرچشمه شیرین ماست»؛ حتی اگر هیچ غمی هم در دنیا نباشد، انسان احساس می‌کند که از اصلی جدا و به فراقی مبتلا شده و غم دوری او را می‌آزارد.

اگر حوادث و فاجعه‌های روزگار را هم در نظر بگیریم، این غم هر ساله تکرار می‌شود و پرتنگ است. اما ماجرای کربلا از جنس دیگری است و اصولاً آتشی است که در وجود انسان‌ها تا قیام قیامت خواهد ماند؛ زیرا تمام ستمگری در مقابل تمام مظلومیت ایستاد و شهدای کربلا را در سزمینی تشنه شهید کرد و این غم هرکس شنید، اشکی ریخت و بر ستم ستمگران لعن و نفرین فرستاد.

|| نمونه‌هایی از اشعار حماسی هم وجود دارد. انقلاب اسلامی و ماجرای دفاع‌های مقدس طی این سال‌ها نشان می‌دهد مردم ایران هم به جنبه سوگ و سوگوازی امام حسین (ع) توجه کرده‌اند، هم به جنبه‌های

رونمایی

رونمایی روایتی از مبارزات دانشجویی قبل از انقلاب



آیین رونمایی از کتاب «قدم‌هایی کوچک در راهی بزرگ» نوشته تقی شامخی، با حضور جمعی از دانشگاهیان، علاقه‌مندان حوزه کتاب و فرهنگ و شماری از مسئولان دانشگاهی در شهر کتاب کاشان برگزار شد. در این آیین، حسن دقیق، رئیس پیشین دانشگاه کاشان، با اشاره به ویژگی‌های محتوایی این اثر گفت: این کتاب با وجود نثر روان و ساده، از محتوایی وزین و قابل تأمل برخوردار است و روایتی صریح از بخشی از مبارزات آزادی‌خواهانه در ایران ارائه می‌کند.

وی افزود: زندگی‌نامه‌هایی که به قلم خود نویسنده نوشته می‌شوند، معمولاً به واقعیت نزدیک‌ترند؛ هرچند طبیعی است که همه ابعاد شخصیت و تجربه‌های نویسنده در یک اثر بازتاب نیابد.

دقیق با اشاره به سوابق مدیریتی تقی شامخی در دانشگاه کاشان نیز اظهار کرد: دوره مسئولیت دکتر شامخی در دانشگاه کاشان، دوره ضابطه‌مندی، آیین‌نامه‌نویسی و تثبیت روندهای اجرایی بود و از دوره‌های موفق این دانشگاه به شمار می‌آید.

همچنین بهژاد سلطانی، رئیس دانشگاه کاشان، در این مراسم بر ضرورت معرفی چهره‌های اثرگذار به نسل جدید تأکید کرد و گفت: برگزاری چنین آیین‌هایی ضروری است تا نسل‌های بعد با زوایای مختلف زندگی افرادی آشنا شوند که در برهه‌های مهم تاریخی و علمی کشور نقش داشته‌اند.

وی افزود: برای نسل جوانی که فضای پیش از انقلاب را تجربه نکرده است، این کتاب می‌تواند فراتر از یک روایت تاریخی، به عنوان متنی راهگشا و تأمل‌برانگیز مطرح باشد.

سلطانی با اشاره به برخی ویژگی‌های شخصیتی و مدیریتی نویسنده گفت: دقت، شفافیت، آینده‌نگری، پرهیز از تظاهر، روحیه تعامل و نگاه راهبردی، از جمله ویژگی‌های برجسته دکتر شامخی است.

رئیس دانشگاه کاشان همچنین راه‌اندازی دانشگاه کاشان را به فعالیت‌های رسمی و معماری، انتقال دانشگاه کاشان به فضای فعلی واحداث ساختمان علوم پایه را از جمله آثار ماندگار دوره مدیریت شامخی عنوان کرد. در ادامه این مراسم، تقی شامخی، نویسنده کتاب، با اشاره به زمینه‌های تاریخی شکل‌گیری فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ گفت: فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی که پس از کودتا علیه دولت دکتر مصدق دچار رکود شده بود، با روی کار آمدن دولت امینی و اجرای اصلاحات موسوم به انقلاب سفید، بار دیگر جانی تازه گرفت.

وی افزود: همزمان، حرکت‌های انقلابی در کشورهایی مانند ویتنام، الجزایر و کوبا نیز بر فضای سیاسی و اجتماعی ایران اثرگذار بود.

شامخی با اشاره به تجربه‌های دانشجویی خود گفت: دوره دانشجویی من به فعالیت‌های دانشجویی همراه بود و پس از پایان تحصیلات، مبارزات ملی وارد مرحله جدیدی شد.

وی ادامه داد: در سال‌های ۱۳۴۶ تا ۱۳۴۹ در فرانسه مشغول تحصیل بودم و در همان دوره، زمینه همکاری‌های نزدیک‌تر من با نیروهای فعال سیاسی خارج از کشور فراهم شد.

نویسنده «قدم‌هایی کوچک در راهی بزرگ» با اشاره به سال‌های ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۷، این دوره را مقطعی پرتلاطم در فعالیت‌های مبارزاتی دانست و گفت: این سال‌ها، هم به‌دلیل فشارهای ناشی از مبارزه با رژیم شاه و هم به سبب برخی مسائل و بحران‌های درونی، دوره‌ای سنگین و پرتنش بود.

وی افزود: بخشی از این تجربه‌ها چنان تلخ و دشوار بود که مرور بازگویی آن‌ها برای سال‌ها باعث اثر عاطفی همراه می‌شد، اما اکنون با گذشت زمان، انتشار این خاطرات را برای تکمیل تحلیل آن دوره تاریخی مفید می‌دانم.

شامخی تأکید کرد: خاطراتی که از مبارزان پیش از انقلاب منتشر شده، در کنار یکدیگر می‌تواند به شناخت و تحلیل دقیق‌تر آن دوره کمک کند.

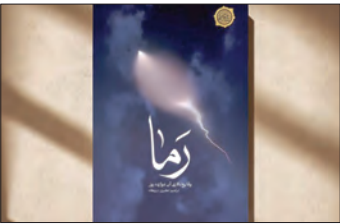
وی همچنین با تأکید بر اهمیت انتقال تجربه به نسل‌های بعدی گفت: شرایط سخت اجتماعی، سیاسی و امنیتی در تاریخ کشورها قابل تکرار است و تجربه گذشتگان می‌تواند چراغ راه آیندگان باشد. شامخی در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی افزود: هر فردی، در هر جایگاهی که قرار دارد، وظیفه دارد کار خود را به بهترین شکل انجام دهد و اگر کمتر از ظرفیت خود برای جامعه کار کند، در برابر جامعه مسئول است.

وی در پایان با اشاره به نقش خانواده‌ها در تحولات هر جامعه، بیش از هر چیز، میون پدران و ماداری است که رنج‌های سنگینی را تحمل می‌کنند، اما کمتر دیده می‌شوند.

قدم‌هایی کوچک در راهی بزرگ» در ۴۲۸ صفحه و به بهای ۴۵۰ هزار تومان از سوی انتشارات فرهنگ صبا منتشر شده است. این کتاب روایتی از تجربه‌های سیاسی و اجتماعی نویسنده در سال‌های پیش از انقلاب و بازخوانی فضای مبارزات دانشجویی آن دوران است.

در معرفی این اثر آمده است که شامخی از سال‌های پایانی دبیرستان نسبت به مسائل سیاسی و اجتماعی کشور حساس بوده و هم‌زمان در فعالیت‌های فرهنگی نیز مشارکت داشته است؛ روندی که به گفته او، با ورود به دانشگاه در سال ۱۳۴۰، ابعاد تازه‌تری یافته است. /

«زما»، جایی که گلوله‌ها تبدیل به روایت شدند!



کتاب «زما» به قلم ابراهیم اکبری دیزگا، روایتی وقایع‌نگارانه و روزشمار از جنگ ۱۲ روزه ارانه می‌دهد. ساختار کتاب بر پایه روزنگاری تنظیم شده است؛ به این معنا که رخدادها نه به صورت کلی و موضوعی، بلکه به شکل روز به روز و مرحله به مرحله روایت می‌شوند. این شیوه باعث شده مخاطب بتواند جنگ را در روندی تدریجی و زنده دنبال کند؛ روندی که در آن هر روز، بخشی از تصویر کلی را کامل می‌کند.

اما «زما» صرفاً یک گزارش روزشمار نیست. نویسنده در کنار ثبت وقایع، از تحلیل و فضاسازی ادبی نیز استفاده کرده است. همین ترکیب باعث شده متن در مرز میان مستندنگاری و ادبیات داستانی حرکت کند؛ متنی که هم دقت دارد و هم روایت.

یکی از ویژگی‌های مهم «زما»، استفاده از قالب روزشمار به عنوان یک ابزار روایی است. در این ساختار، زمان تنها یک چارچوب تقویمی نیست، بلکه به عنصر اصلی پیش‌برنده روایت تبدیل می‌شود.

در هر روز، بخشی از تصویر جنگ آشکار می‌شود، تصمیمی گرفته می‌شود، رخدادی اتفاق می‌افتد، واکنشی شکل می‌گیرد و همه این‌ها در کنار هم، مسیر کلی جنگ را می‌سازند. این نوع روایت، به مخاطب اجازه می‌دهد جنگ را نه به عنوان یک حادثه ناگهانی، بلکه به عنوان یک فرآیند در حال شکل‌گیری درک کند.

در واقع، روزشمار در این کتاب نوعی «تجربه زیستن در تاریخ» ایجاد می‌کند؛ تجربه‌ای که در آن مخاطب همراه با زمان حرکت می‌کند و نه صرفاً بعد از پایان آن را مرور می‌کند.

در «زما»، جنگ تنها در سطح عملیات نظامی تعریف نمی‌شود. نویسنده تلاش کرده نشان دهد که جنگ، پیش از آنکه در میدان رخ دهد، در لایه‌های انسانی جامعه جریان دارد.

ترس، امید، تردید، انتظار و تصمیم‌گیری، همگی بخشی از این روایت هستند. در این نگاه، انسان در مرکز قرار می‌گیرد و جنگ به عنوان بستری برای آشکار شدن واکنش‌های انسانی دیده می‌شود. این رویکرد باعث شده کتاب از سطح گزارش صرف فاصله بگیرد و به سمت نوعی روایت انسانی از بحران حرکت کند؛ روایتی که در آن، تجربه فردی و جمعی در هم تنیده شده است.

■ میدان روایت، جایی میان خبر و معنا

یکی از نکات کلیدی در تحلیل جنگ ۱۲ روزه، نقش رسانه‌ها و روایت‌هاست. در این دوره، زمان با عملیات نظامی، نوعی رقابت روایی نیز شکل گرفته بود؛ رقابتی که در آن، هر جریان تلاش می‌کرد تفسیر خود از واقعیت را ارائه دهد. کتاب «زما» در همین فضای روایی شکل می‌گیرد. نویسنده تلاش کرده میان مشاهده میدانی، گزارش خبری و تحلیل معنای تعادل برقرار کند. نتیجه این تلاش، متنی چندلایه است که می‌تواند هم به عنوان روایت مستند خوانده شود و هم به عنوان یک اثر ادبی مورد توجه قرار گیرد.

این چندلایه بودن، یکی از ویژگی‌های مهم ادبیات جنگ در سال‌های اخیر محسوب می‌شود؛ ادبیاتی که دیگر صرفاً به ثبت رخدادها بسنده نمی‌کند، بلکه به دنبال فهم آن‌ها نیز هست.

زبان «زما» در مرز میان گزارش خبری و نثر ادبی حرکت می‌کند. در بخش‌هایی از کتاب، زبان دقیق، شفاف و مبتنی بر ثبت واقعیت است؛ در بخش‌هایی دیگر، توصیف‌ها، تصویرسازی‌ها و ریشم روایی به متن حالتی ادبی و داستانی می‌دهند.

این رفت‌وبرگشت میان دو نوع زبان، باعث شده اثر هم برای مخاطب عمومی قابل فهم باشد و هم برای مخاطب تخصصی‌تر، قابل تحلیل و بررسی. در واقع، زبان کتاب به‌گونه‌ای طراحی شده که بتواند هم واقعیت را منتقل کند و هم تجربه را بازسازی نماید.

■ از آیه تا تفسیر جنگ

نام کتاب برگرفته از آیه ۱۷ سوره انفال است: «وَمَا تَقَاتِلُ إِدَّتْ وَتَقَاتِ وَلَکُمُ اللّٰهُ زَمٰی». این انتخاب، تنها یک عنوان نمادین نیست، بلکه بخشی از نگاه معنایی نویسنده به مفهوم جنگ را نشان می‌دهد.

در نگاه نویسنده، نوشتن از جنگ نوعی مسئولیت است؛ مسئولیتی برای ثبت تجربه‌ای که ممکن است در گذر زمان دچار فراموشی شود. در این مسیر، کلمات نقش جایگزین روایت‌های میدانی را پیدا می‌کنند.

در «زما»، نوشتن نه فاصله گرفتن از جنگ، بلکه نوعی بازگشت دوباره به آن است. نویسنده تلاش کرده با استفاده از زبان، تجربه‌ای را که در میدان رخ داده، دوباره بازسازی کند و آن را در قالبی قابل انتقال قرار دهد.

کتاب «زما» نوشته ابراهیم اکبری دیزگا در ۱۶۴ صفحه و از سوی انتشارات زائر منتشر شده است.

روایت ناتمام همسر و مادر دوشهید!

سیده الهام صادقی، بازمانده جنگ رمضان، ۷۰ روز با داغ همسر و فرزندانش زندگی کرد؛ اما رفت تا به قولی که داده بود، عمل کند



خبر کوتاه بود، آن قدر کوتاه که در چند خط جا می‌شد. زن ۳۲ ساله‌ای که در بمباران ششم فروردین محله هفتون، همسر و دو فرزند خردسالش را از دست داده بود، از دریافت دستاوردش دریغ نداشت

از همه شگفت‌آور بود، نوع حرف زدن او بود. «ما با افراد زیادی مصاحبه کرده‌ایم؛ آدم‌هایی از طبقات مختلف اجتماعی، خانواده‌های شهید، بازماندگان جنگ و آسیب‌دیدگان حوادث، اما در مورد خانم صادقی، چیزی که به چشم می‌آمد صداقت مطلق در حرف‌هایش بود. هیچ نشانی از تصنع یا نمایش در کلامش وجود نداشت.

هرچه می‌گفت از عمق وجودش می‌آمد.»

شاید همین ویژگی است که بخش‌هایی از مستند را تا این اندازه تأثیرگذار کرده است. مخاطب هنگام شنیدن حرف‌های او، احساس نمی‌کند با یک مصاحبه رسانه‌ای مواجه است؛ بیشتر شبیه آن است که مادری در میان خرابه‌های خانه‌اش ایستاده

و از زندگی از دست رفته خود سخن می‌گوید.

در بخشی از گفت‌وگو، الهام صادقی از روزهای نخست پس از حادثه حرف می‌زند؛ از سوال‌هایی که ذهنش را درگیر کرده بود، از خشم و اندوهی که تجربه می‌کرد و از تلاش برای کنار آمدن با آنچه رخ داده بود. اما به گفته کارگردان، او در همان حال توانسته بود نگاهی فراتر از رنج شخصی خود داشته باشد. مداح‌الحسینی می‌گوید با وجود شرایط اقتصادی نه چندان مناسب و زندگی در محله‌ای کم‌برخوردار، تحلیل‌های او از اتفاقات پیرامونش پخته و عمیق بود؛ به‌گونه‌ای که برای گروه سازنده مستند نیز غیرمنتظره به نظر می‌رسید.

اما شاید سنگین‌ترین بخش روایت، نه در حرف‌های او بلکه در خود موقعیت زندگی‌اش نهفته باشد. در جنگ‌ها خانواده‌های زیادی عزیزانشان را از دست می‌دهند. گاهی پدری می‌مرد، گاهی مادری، گاهی فرزندی. اما الهام صادقی در موقعیتی قرار گرفته بود که تقریباً همه جهان شخصی‌اش را یک‌جا از دست داده بود. همسرش رفته بود، در فرزند خردسالش رفته بودند و او تنها مانده بود؛ تنها بازمانده یک خانه. کارگردان مستند می‌گوید در میان سوزه‌هایی که طی ماه‌های گذشته با آن‌ها روبه‌رو شده‌اند، این ویژگی باعث شده بود وضعیت او متفاوت باشد. «داغی که خانم صادقی تحمل می‌کرد، از بسیاری جهات سنگین‌تر بود. او هم‌زمان هم داغ همسر را داشت و هم داغ دو فرزند خردسال را.»

با این حال، مستند ساخته شد. تصویربرداری به پایان رسید و مراحل تدوین نیز انجام شد. قرار بود اثر به‌زودی منتشر شود و سازندگان تصمیم داشتند خبر آماده شدن مستند را به الهام صادقی بدهند تا بتواند روایت خودش را ببیند؛ روایتی که در میان آوار خانه‌اش ثبت شده بود اما درست در همین نقطه، داستان مسیر دیگری پیدا کرد. چند روز پیش از زمان پخش، یکی از عوامل تولید برای اطلاع دادن موضوع با اطرافیان او تماس گرفت. تصور می‌کردند قرار است خبری خوش بدهند؛ اینکه مستند آماده نمایش است و به‌زودی روی آنتن خواهد رفت. اما آن سوی خط خبر دیگری در انتظارشان بود.

الهام صادقی دیگر در قید حیات نبود. او چند روز پیش از پخش مستند از دنیا رفته بود. خبر برای سازندگان اثر شوکه‌کننده بود. زنی که هفته‌ها پیش مقابل دوربین ایستاد و از زندگی‌اش گفته بود، حالا دیگر حضور نداشت تا روایت خودش را ببیند. مستندی که قرار بود برای او یادآور خاطرات تلخ و شیرین زندگی‌اش باشد، به اثری تبدیل شد که صاحب اصلی روایت هرگز فرصت تماشايش را پیدا نکرد.

حالا هر بار که تصاویر آن مستند منتشر می‌شود، مخاطبان تنها یک بازمانده جنگ را نمی‌بینند. آن‌ها زنی را می‌بینند که در میان خرابه‌های خانه‌اش ایستاده، از شاهین و شاهان می‌گوید، از همسرش می‌گوید و از زندگی‌ای که ناگهان متوقف شد. شاید به همین دلیل است که این روزها نام او بار دیگر در شبکه‌های اجتماعی تکرار می‌شود. کاربران از مادری می‌نویسند که هفتاد روز با داغ همسر و فرزندانش زندگی کرد. از زنی که خانه‌اش را از دست داد اما حاضر شد به همان ویرانه‌ها بازگردد تا روایت آن روز را ثبت کند. و از مستندی که به سندی از یک فاجعه تبدیل شد؛ سندی که نشان می‌دهد گاهی تلفات یک بمباران، تنها به همان روز و همان لحظه محدود نمی‌شود. بعضی زخم‌ها دیرتر جان می‌گیرند. بعضی ویرانی‌ها مدت‌ها پس از فرو ریختن دیوارها ادامه پیدا می‌کنند. و بعضی روایت‌ها، درست زمانی کامل می‌شوند که راوی دیگر در میان ما نیست.



مادر رفته بود درست از همان لحظه‌ای که پسرانش را صدا می‌زد و سه‌شش می‌شد سکوت، گوش به زنگ در خانه‌ای که نبود، می‌سپرد و برای همیشه صدای کلیدی که دیگر در قفل در نمی‌چرخید، نصیبش می‌شد. مادر رفته بود درست از همان لحظه‌ای که راه خانه را پیدا کرد. نشانی جدید خانه را، مزاری کنار مزار جگرگوشه‌هایش و جایی کنار همسرش. مادر رفته بود، از صبح همان روز ششم فروردین!

شمارش معکوس را شروع کرده بود. می‌تپید اما نه برای ماندن، بلکه برای رفتن و رسیدن به همسرش، رسیدن به پسرانش، همان‌طور که قول داده بود.

مادر رفته بود درست از همان لحظه‌ای که نگاه سرگردانش، از میان آوار، به دنبال نشانه‌ای از زندگی می‌گشت. ردی از امید که سرپاشد، که کم‌راست کند، که امید باشد روی قلبش که عشق جوانه‌بزند که مادری کند که مادری را تمام کند.

شاید از بیرون ساده به نظر برسند اما برای صاحبانشان، همه دارایی و همه خاطرات زندگی‌اند.

با ماداد ششم فروردین، خانه آن‌ها در کنار چند خانه دیگر در محله هفتون هدف بمباران قرار گرفت. در چند ثانیه، سقفی که سال‌ها بالای سر یک خانواده بود فرو ریخت و همه چیز تغییر کرد. حسین ملکی؛ همسر الهام صادقی که فوتبالیست بود و در کنار آن برای تأمین معاش خانواده در یک میوه‌فروشی کار می‌کرد، جان خود را از دست داد. دو پسر خردسال خانواده نیز زیر آوار ماندند؛ شاهین و شاهان، کودکانی سه و پنج ساله که زندگی‌شان هنوز به آغاز راه هم نرسیده بود.

الهام صادقی اما زنده ماند؛ زنده ماندنی که برای بسیاری از بازماندگان جنگ، گاهی از خود مرگ دشوارتر است. او باید با واقعیتی کنار می‌آمد که در آن، خانه‌ای وجود نداشت، صدای خنده کودکانش شنیده نمی‌شد و کسی عصرها از محل کار به خانه بازمی‌گشت.

چند هفته بعد از آن حادثه، گروهی مستندساز تصمیم گرفتند سراغ او بروند و روایتش را ثبت کنند. محمدامین مداح‌الحسینی؛ کارگردان این مستند، هنوز نخستین مواجهه خود با الهام صادقی را به خاطر دارد. او از این تصاویر است. الهام صادقی کنار پیکر شاهین گرفته بودند، خانم صادقی درگیر درمان آسیب‌های ناشی از حادثه در بیمارستان بود. دستش بر اثر آوار آسیب دیده و برای مداوا مراجعه کرده بود. با این حال، وقتی قرار شد مقابل دوربین بیاید، پیشنهادی داد که مسیر ساخت مستند را تغییر داد.

او نمی‌خواست در یک دفتر، یک استودیو یا فضای زیرقوس عمیق را در خود پنهان کرده‌اش. تصویری از لحظه وداع او با همسر و دو فرزند خردسالش یکی از این تصاویر است. الهام صادقی کنار پیکر شاهین و شاهان ایستاده و در میان اشک و اندوه، جملاتی را بر زبان می‌آورد که حالا پس از انتشار خبر درگشتش، معنایی سنگین‌تر پیدا کرده‌اند. او به پسرش می‌گوید:

«مaman، من خیلی زود میام پیشت. قول میدم که زود بیام پیش تون.» و بعد با لحنی امیخته به دلنتگی و یقین اضافه می‌کند: «مaman هر وقت قول بده، زیرقوس‌های منمیزنه. مaman همیشه سر قولش هست.

مaman بدقولی نمی‌کنه.» آن روز این جملات تنها حرف‌های مادری داغدار به نظر می‌رسید که در شوک از دست دادن عزیزترین آدم‌های زندگی‌اش به سرمی‌برد. اما حالا، پس از گذشت هفتاد روز و با انتشار خبر درگشت او، بسیاری از کاربران بار دیگر به همان تصاویر بازگشته‌اند؛ به وداعی که گویی بخشی از پایان این روایت را پیشاپیش در خود ثبت کرده بود.

در کنار عکس‌ها، بخش‌هایی از مستندی منتشر می‌شود که چند هفته پیش از او ساخته شده بود؛ مستندی که قرار بود روایت بازماندن باشد، روایت مادری که از میان ویرانه‌ها برخاست و درباره روزی حرف زد که خانه‌اش، همسرش و دو پسر کوچکش را از او گرفت. اما سرنوشت، پایان دیگری برای این روایت نوشته بود؛ الهام صادقی پیش از آنکه مستند زندگی خودش را ببیند (این، خانه من است)، از دنیا رفت.

هفتون، محله‌ای در میان محله‌های کارگری شهر است؛ جایی که اغلب ساکنانش زندگی‌های ساده‌ای دارند و درآمد‌هایشان از مشاغل روزمره و کارگری تأمین می‌شود. در چنین محله‌ای، خانه‌ها معمولاً با زحمت سال‌ها کار و پس‌انداز ساخته می‌شوند. خانه‌هایی که

چراغ آخر خانه هم خاموش شد!

شده بود رفیقش، درد و دل می‌کرد با آواری که همین چند روز پیش، سرپناش بود و حالا شده بود تنها شاهد روزهای خویش و او رد نفس شاهین و شاهانش را از دیوارهای غبار خیز می‌گرفت. مادر رفته بود، درست از همان لحظه‌ای که اسیر شده بود در روزهای کش‌دار بدون عزیزانش، روزهایی که سخت شب می‌شد و سخت‌تر، صبح. روزهای گرمی که سردش می‌شد از تنهایی، از غیبت یاره‌های تنش که به خاک سپرده بود. مادر رفته بود درست از همان لحظه‌ای که چراغ خانه بی‌رمق شد و غمش مدام قد کشید و ریشه کرد در تمام جانش.

مادر رفته بود درست از همان لحظه‌ای که اشک‌هایش یخ زد و شد سایه‌ای بی‌جان که دنبال گمشده‌هایش زد. مادر رفته بود درست از همان لحظه‌ای که خودش را در بین خروار آوار تنهای تنه‌ادید، همان‌جا که بهت، خیمه سنگینی انداخت روی تن چشم‌های به غبار نشسته از در و دیوار خانه‌اش.

مادر رفته بود، درست از همان لحظه‌ای که خاک خانه



زینب تاج‌الدین

دبیر گروه پایداری

خبر کوتاه بود؛ آن قدر کوتاه که در چند خط جا می‌شد. «سیده الهام صادقی»، زن ۳۲ ساله‌ای که در بمباران ششم فروردین محله هفتون، همسر و دو فرزند خردسالش را از دست داده بود، از دنیا رفت. اما پشت این چند خط، روایتی خوابیده که به دشواری می‌توان آن را در چند جمله خلاصه کرد؛ روایت همسر و مادر دو شهید که در یک شب بهاری، همه زندگی‌اش زیر آوار ماند و خودش، هفتاد روز بعد، در حالی چشم از جهان بسته که هنوز با رآن داغ سنگین را بر دوش می‌کشید. ■

این روزها شبکه‌های اجتماعی پر شده از تصاویر او؛ زنی با چهره‌ای آرام و نگاهی که انگار ردی از اندوهی عمیق را در خود پنهان کرده‌اش. تصویری از لحظه وداع او با همسر و دو فرزند خردسالش یکی از این تصاویر است. الهام صادقی کنار پیکر شاهین و شاهان ایستاده و در میان اشک و اندوه، جملاتی را بر زبان می‌آورد که حالا پس از انتشار خبر درگشتش، معنایی سنگین‌تر پیدا کرده‌اند. او به پسرش می‌گوید: «مaman، من خیلی زود میام پیشت. قول میدم که زود بیام پیش تون.» و بعد با لحنی امیخته به دلنتگی و یقین اضافه می‌کند: «مaman هر وقت قول بده، زیرقوس‌های منمیزنه. مaman همیشه سر قولش هست. مaman بدقولی نمی‌کنه.» آن روز این جملات تنها حرف‌های مادری داغدار به نظر می‌رسید که در شوک از دست دادن عزیزترین آدم‌های زندگی‌اش به سرمی‌برد. اما حالا، پس از گذشت هفتاد روز و با انتشار خبر درگشت او، بسیاری از کاربران بار دیگر به همان تصاویر بازگشته‌اند؛ به وداعی که گویی بخشی از پایان این روایت را پیشاپیش در خود ثبت کرده بود.

در کنار عکس‌ها، بخش‌هایی از مستندی منتشر می‌شود که چند هفته پیش از او ساخته شده بود؛ مستندی که قرار بود روایت بازماندن باشد، روایت مادری که از میان ویرانه‌ها برخاست و درباره روزی حرف زد که خانه‌اش، همسرش و دو پسر کوچکش را از او گرفت. اما سرنوشت، پایان دیگری برای این روایت نوشته بود؛ الهام صادقی پیش از آنکه مستند زندگی خودش را ببیند (این، خانه من است)، از دنیا رفت.

هفتون، محله‌ای در میان محله‌های کارگری شهر است؛ جایی که اغلب ساکنانش زندگی‌های ساده‌ای دارند و درآمد‌هایشان از مشاغل روزمره و کارگری تأمین می‌شود. در چنین محله‌ای، خانه‌ها معمولاً با زحمت سال‌ها کار و پس‌انداز ساخته می‌شوند. خانه‌هایی که

■ یادداشت روز



فرزانه فرجی

خبرنگار گروه پایداری

و پناه بر خدا؛ اندوهی که عصرها جان را می‌مکد و آدم می‌شود ساقه‌ای سست و ناتوان. توان برای ایستادن تمام می‌شود و ناگهان ساقه جوان در خاک می‌غلند. او رفته بود، مادر را می‌گویم درست از همان لحظه‌ای که خانه‌اش اسیر خشم و حشایشانه دشمن شد و صدای خنده پسرانش بین آوار گم و دست گرم همسرش، سرد شد. مادر رفته بود درست از همان لحظه‌ای که بعد از ساعت‌ها چون شکوفه‌ای جوان در امتداد بهار از بین آوار، جوانه زد. مادر رفته بود درست از همان لحظه‌ای که خودش را در بین خروار آوار تنهای تنه‌ادید، همان‌جا که بهت، خیمه سنگینی انداخت روی تن چشم‌های به غبار نشسته از در و دیوار خانه‌اش.

مادر رفته بود، درست از همان لحظه‌ای که خاک خانه



صفهان زیبا

شماره ۵۳۹۱

۲۷ / ۰۳ / ۱۴۰۵

چهارشنبه

ویراستار و دبیر صفحه
زینب تاج‌الدین

یادآور

یکسال گذشت و فرداهایی که به فاطمه و مجتبی نرسید!



■ گروه پایداری

بعضی خبرها همان روز تمام نمی‌شوند. در تقویم می‌مانند، در حافظه شهر جا خوش می‌کنند و هر بار که تاریخشان از راه می‌رسد، دوباره زخمشان را نشان می‌دهند.

امروز یک سال از روزی می‌گذرد که فاطمه و مجتبی شریفی، خواهر و برادری که هنوز فصل‌های بسیاری از زندگی پیش رویشان بود، همراه پدر و مادرشان در خودرویی که در جاده در حرکت بود، هدف حمله اسرائیل قرار گرفتند و به شهادت رسیدند. حادثه‌ای که در میان روزهای پرتلهاط جنگ، تنها یک خبر دیگر به نظر می‌رسید: اما برای آنان که این خانواده را می‌شناختند، پایان یک خانواده و آغاز داغی ماندگار بود.

یک سال گذشته است؛ اما برای بسیاری از هم‌کلاسی‌ها، همسایه‌ها و دوستانشان، هنوز جای خالی دو صندلی در کلاس، دو سلام آشنا در کوچه و دو روایی نیمه‌تمام احساس می‌شود. فاطمه و مجتبی فقط دو نام در میان فهرست شهدا نیستند؛ دو روایت ناتمام از زندگی‌اند. روایت کودکانی که آینده را در سمری پروارندند و قرار بود سال‌های بعد از زندگی‌کنند، نه اینکه نامشان بر سنگ مزار حک شود. جنگ، آمار تولید می‌کند؛ اما حقیقت در آمار گم می‌شود. پشت هر عدد، خانه‌ای بوده است، مادری بوده، پدری بوده و کودکانی که جهان را بنا بر تجربه نگاه می‌کرده‌اند. فاطمه و مجتبی نیز بخشی از همین حقیقت‌اند؛ حقیقتی که یادآوری می‌کند پدایان جنگ تنها رزمندگان میدان نیستند؛ گاه یک خانواده‌اند که در مسیر زندگی، ناگهان در مسیر شوش‌کاری می‌گیرند. امروز نخستین سالگرد شهادت این خواهر و برادر است. یک سال از آن روز گذشته، اما پرسش‌های بسیاری همچنان باقی است؛ پرسش از پنهان جنگ، از سهم کودکان از خشونت و از وایهایی که پیش از شکوفایی خاموش شدند.

شاید معنای سالگردها همین باشد؛ اینکه اجازه ندهیم نام‌ها به عدد تبدیل شوند. اینکه فاطمه و مجتبی شریفی را نه فقط به عنوان دوشهید، بلکه به عنوان دو زندگی ناتمام به خاطر بیاوریم؛ دو کودکی که قرار بود فرداهای بسیاری را ببینند و اکنون یادشان، سهم ما از آن فرداهاست.

■ خبرنگوان

ستاد «تشییع سید شهید» در بنیاد شهید و امور ایثارگران تشکیل شد

نماینده ولی فقیه در بنیاد شهید و امور ایثارگران با تأکید بر «عزم پایه» بودن مراسم «تشییع پیکر مطهر رهبر شهید انقلاب اسلامی (قدس سره)»، گفت: در بنیاد، ستاد «تشییع سید شهید» تشکیل شده است. به گزارش ایرنا، حجت‌الاسلام والمسلمین موسوی مقدم در نشستی به منظور هماهنگی و برنامه‌ریزی در خصوص برگزاری مراسم باشکوه «تشییع پیکر مطهر رهبر شهیدانقلاب اسلامی (قدس سره)» با بیان اینکه در این موضوع کار در دو بخش مطرح است، افزود: یک بخش کار، توسط ستاد عالی انجام می‌شود که در این ستاد، سیاست‌های کلان و چگونگی انجام کار با هماهنگی شورای عالی امنیت ملی و دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای مشخص می‌شود و تصمیم‌گیری‌های کلان در خصوص مراسم تشییع پیکر مطهر رهبر شهید صورت می‌گیرد که باید هر دستگاه به شرح وظایف تعیین شده، عمل کند.

وی ادامه داد: در بنیاد شهید و امور ایثارگران ستاد «تشییع سید شهید» را تشکیل دادیم که لازم است هم فعالیت‌هایی که در راستای سیاست‌های کلان ستاد عالی انجام می‌شود، مورد توجه قرار گیرد و هم کارهایی که به صورت اختصاصی از بنیاد شهید و امور ایثارگران انتظار می‌رود؛ که مسئولیت این ستاد با معاونت فرهنگی و آموزشی است.

حجت‌الاسلام والمسلمین موسوی مقدم خاطرنشان کرد: نکته مراسم تشییع، بحث مردمی بودن آن است و این مراسم «مردم پایه» است و باید در سیاست‌گذاری با توجه به شرایط این مراسم برنامه‌ریزی داشته باشیم. وی گفت: بنیاد شهید و امور ایثارگران باید اقدامات متفاوتی در این مراسم انجام دهد و در تمامی فعالیت‌ها و وحدت و انسجام ملی نشان داده شود.

